

محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مردمی، مترقی، این مجمع جهانی و مصوبات آنرا بی اعتبار سازند، اما از اهمیت این سند کاسته نمی شود. بدینگونه جهان یکبار دیگر داغ ننگ بر پیشانی خمینی جنایتگر کوبیده است.

بدنبال اعلام خیر تصویب این قطعنامه، در تهران وزارت امور خارجه اطلاعیه ای صادر کرد و طی آن به صدور این قطعنامه اعتراض کرد. در حالی که همواره تمامی سرداران رژیم و از جمله شخص خمینی با صراحت بر اراثت خود را از پابندی به موازین حقوق بشر اعلام داشته و بکرات با تحقیر و تفرق آشکار از این میثاق جهانی نام برده اند، واکنش اعتراضی

وزارت امور خارجه خلاف قاعده بنظر می رسد و نشانگر موقعیت ضعیف رژیم در عرصه بین المللی می باشد و در حکم تشبیتی محسوب می شود که برای گریز از بن بست به عمل می آید.

این قطعنامه و قطعنامه های مشابه آن، ثمره افشاکری های وسیعی است که علیه جنایات جمهوری اسلامی صورت گرفته است. اکنون جهانیان می دانند که در ایران چه می گذرد، می دانند که دستان رهبران پلید بقیه در صفحه آخر

زنگنه نامه
رفیق شهید ابراهیم لطف الله زاده
در صفحه ۲

صحف سبز
شعری از دوره نهضت ۲ آذر
در صفحه ۱۴

در هفته گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ای به تصویب رسید که طی آن رژیم بربرمنش جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر محکوم شناخته شد. اظهار نظر این مجمع بین المللی در پی افشای هر چه گسترده تر رژیم خمینی در سطح جهان صورت می گیرد و گویای این حقیقت است که این رژیم همانند رژیمهای رسوای پرتوریا و تل آویو، در حکم عفونت چرکینی در میان جامعه ملل محسوب می شود.

اگر چه دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی می کوشند با ارائه قطعنامه های مشابه درباره دولتهای

نعمت آسمانی و فلاکت زمینی

باز آمد. "این یک پیروزی واقعی است!" مسئولین رژیم در برابر خشم و نفرت و اندوه مردم، چنین نعره می کشند.

در پدر به دنبال جوانان می گردند تاراهی چیهه هایشان سازند. اعلام بسیج عمومی کرده اند و به گوشت دم توپ نیاز دارند. خانواده ها مصیبت زده اند. جوانی را از دست می دهند که برای بسیاری از خانواده ها در وضعیت فلاکت بار موجود، نان آوری است. مادران اشک می ریزند و مسئولین رژیم فریاد می کشند: "این یک پیروزی واقعی است!"

این عبارت نفرت انگیز را بقیه در صفحه ۲

جنگنده های عراقی مسلح به موشکهای دقیق اکزوست بدون این که دغدغه چندانیتی داشته باشند به سمت خارک پرواز می کنند، موشکهایشان را شلیک می کنند، توده عظیمی از دود و آتش بر جای می گذارند و باز می گردند. رفسنجانی در نماز جمعه فریاد می کشد: "این یک پیروزی واقعی است!"

مردم، خسته و تکیده و اندوهگین ساعتها در صفهای انتظار در یافت مواد غذایی می مانند و با نگاهی آکنده از غمی سنگین به حمله های عزایی می نگرند که در سر کوچه ها برای جوانانشان بر پا کرده اند؛ ماه پیش با قاحتی رشید رفت و دیروز جنازه تکه تکه شده اش



دوشنبه ۱۸ آذر ۱۳۶۴ برابر ۹ دسامبر ۱۹۸۵
پهنا ۶۰ - ریبال - سال دوم - شماره ۸۶

دگرآمی داشت ۱۹ بهمن

به روز ۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری سازمان ما، زمان چندانیتی نمانده است. اکنون قریب ۱۵ سال از روزهای سرد بهمن ماه سال ۴۹ سپری شده است. در طی این مدت، میهن ما رویدادهای بزرگی را از سر گذرانده است. رژیمی که نتوانسته بود در سیهاکل موج خون برپا کند، نتوانست بماند و به زیاده دانی تاریخ سپرده شد، امانه آسان.

در تدارک براندازی رژیم منحوس شاه مبارزاتی سرخفشان در شرایطی بسی دشوار در پیش برده شد. زمانی آن رژیم از درون پیوسیده همچنان مستحکم و پا بر جا بنظر می آمد که سازشکاران و مماشات گران نبرد با آن را مشت بر سنگ و سر بر دیوار کوفتن وانمود می کردند. بقیه در صفحه ۲

مسئولین رژیم:

با کارگران اعتصابی، مثل کارگران شرکت ساسان رفتار خواهیم کرد!

گفتگوی "اکثریت" با یولیان سیمیانوف، خالق "لحظات هفده گانه بهاران"

شوروی، و عضو هیات رئیسه اتحادیه سراسری نویسندگان این کشور است. کتابهای او هم در اتحاد شوروی و هم در دیگر کشورها خوانندگان فراوانی دارد. تیراژ کتابهای او در سراسر جهان به ۲ میلیون جلد می رسد.

در این شماره "اکثریت"، ما گفتگوی جالبی داریم با این نویسنده برجسته. او با ما از دیده ها و شنیده های خود سخن گفته است، از ضرورت آگاه گشتن و آگاهانه رژیمیدن. او از انقلاب ایران با شور زائد الوصفی یاد می کند. او بر مبنای تجربیات خود، با اطمینان تاکید می کند که ملت بزرگ ما که آن انقلاب عظیم را به انجام رسانده است، قادر است حاکمیت حقیر و پست فعلی را از میان بردارد. با هم این گفتگوی شور انگیز را می خوانیم. بقیه در صفحه ۱۲



رمان پر شور "لحظات هفده گانه بهاران" را خوانده اید؟ ماکسیم ایسایف، کمونیست قهرمان، هوشیار، و نویسنده شناس و پراز عاقله و عشق به صلح و بشریت را، یولیان سیمیانوف باز آفرینی کرده است. یولیان سیمیانوف، یکی از مشهورترین و محبوبترین نویسندگان اتحاد

تکرار آن جنایت و یا ترساندن کارگران از تکرار آن، قادر است حرکتهای گسترش یابنده کارگری را مهار کند و خاموش سازد. اما جنبش قوی تر از آن است که با چرخاندن شمیر برهنه سرکوب، از حرکت باز ایستد.

در مرداد ماه امسال آخوند جنایتکاری به نام خالقی حاکم شرع دادگاههای قزویین و معاون کمیته منطقه، که به دلیل مسئولیت ویژه خود در یک منطقه مهم صنعتی کشور از نزدیک با حرکتهای کارگری مواجه است، در برابر کارگران اعتصابی کارخانه کاشی سازی پارس سیاست توسل به سرکوب رژیم در مقابل طبقه کارگر را به نحو روشنی بیان داشت. وی خطاب به کارگران اعتصابی گفت: "ما از این اعتصابها زیاد بقیه در صفحه ۸

سلاح فریب، سلاح کند و نابرابری است و تنهادر شرایط ویژه ای از لحاظ عینی و ذهنی، می تواند موثر باشد. وانگهی اگر از این سلاح مکرر استفاده شود، تیغه ست و نابرابری می شکند و چاره ای جز توسل به شمشیر آخته سرکوب باقی نمی ماند. این یک منلق روشن طبقاتی است که هم رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی بدان واقف است و هم طبقه کارگر ایران. بیپوده نیست که اکنون بر کنترل پایسی در کارخانه ها دم به دم افزوده می شود و آنگاه که حرکتهای کارگری به سوی اشکال قاطعتر مبارزاتی سوق داده می شوند، پای سرکوب مستقیم پیش می آید. سرکوب خونین کارگران شرکت ساسان (کاناتادرا) در سال گذشته بیانگر این مکانیسم ناکزیر است که تاکنون به شکلهای مختلف تکرار شده است. رژیم گمان می برد با

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

شکرگامداشت ۱۹ بهمن

بقیه از صفحه اول در آن هنگامه سخت، در آن ایامی که رنج مردم ما از ستم آن رژیم استبدادی و سرسپرده بی‌حد بود، نقش سازمان ما در حکم پیشاهنگ جنبش انقلابی میهن، در استمرار و گسترش بخشیدن جنبش، چنان ستایش انگیز بود که برای همیشه بر تاریخ میهن ماحک شده است.

امکان ایفای چنان نقشی به بهای فداکاریها و قربانی‌های بسیار بدست آمد. اولین گروهی که در صبحگاه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ تیرباران شدند، سرحلقه زنجیره بلند شهیدانی محسوب می‌شوند که تا به امروز امتداد یافته است. سازمان ما در میدان رزم ثابت کرده است ما و او بی‌رونده گردان دلوری است که با پایبندی به آرمان‌های خلق و با شور و شوق انقلابی، پاسدار شرف ملی، و پیونده ثابت قدم راه‌هایی رنجبران و همه مردم ایران هستند.

در صدر رویدادهای فرخنده پانزده سالی که گذشت، رویدادهای

روزهای شکوهند سال ۵۷ - سال انقلاب جای دارد که در بهمن ماه طومار سیاه سلطنت و خاندان پهلوی را در هم نوردید. نقشی را که سازمان ما در تحقق این آرزوی ملی دیرینه ایفا کرد، درس لوحه افتخارات فدائیان خلق جای دارد. ما فدائیان خلق همواره به ایفای چنین نقشی مباحثات می‌کنیم.

ایفای چنان نقشی اعتماد کارگران و رنجبران را به سازمان مستحکم کرد، که این خود پذیرش و انجام وظایف تازه تر و بغرنج تری را، در شرایطی تازه و بغرنج، می‌طلبید. در ایفای چنین وظایفی، سازمان به گرانقدرترین دستاورد تاریخ حیاتش دست یافت و مبارزه را به مثابه سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران پی گرفت.

اکنون این پیشاهنگ طبقه کارگر، در آستانه شانزده سالگی در موقعیت بی‌بدیلی قرار گرفته است. این که تشکیلات فدائیان خلق گسترده‌ترین، منسجم‌ترین و مستحکم‌ترین تشکیلات انقلابی در سطح کشور

است، با اینکه در سازماندهی مبارزه زحمتکشان فدائیان خلق بیکبوترین هستند با اینکه فعال‌ترین نیروی حاضر در سنگرهای مقاومت سراسری علیه رژیم خمینی، فدائیان خلق می‌باشند، نه فقط افتخار آفرین است که پیشبرد پیروزمندانه وظایف سترگی را نیز در دستور می‌گذارد. این موقعیت به سازمان مسئولیتی خطیر در جنبش کمونیستی و کارگری و در جنبش انقلابی میهن ماحول کرده است.

به لحاظ چنان موقعیتی است که رژیم ضد مردمی و جنایتکار خمینی و دیگر دشمنان مردم، با تمام تبلیغات کثیف خود تلاش دارند تا حقانیت آرمانها و مواضع انقلابی سازمان و تاریخ سرفراز مبارزه انقلابی، استواری و جانفشانی فدائیان خلق در راه مردم را بر مردم بیوشانند. برای انجام شایسته وظایفی که بر عهده داریم، مقابله مرچه گسترده تر با این تبلیغات اهریمنی از وظایف جدی همه فدائیان خلق می‌باشد. در این زمینه اعضا و هواداران سازمان در خارج از

کشور نیز باید همه امکانات را به کار گیرند تا به رغم رذیله‌ترین تشیقات دشمنان و با خنثی کردن آن، بیشترین نیرو حول پرچمی که سازمان ما بر افراشته است، گرد آیند. در گرامیداشت پانزدهمین سالگرد سازمان، بیکبوتر و پیر شورتر از همیشه به انجام این وظیفه بپردازیم. در این راه و در جهت انجام چنین وظیفه‌ای، نشریه "اکثریت" از شماره آتی تا ۱۹ بهمن در هر شماره مقاله‌ای را درج خواهد کرد که در آن به طور فشرده برنامه و عملکرد انقلابی سازمان در ۱۵ سال گذشته در عرصه‌های گوناگون تشریح می‌شود.

تبلیغ هر چه گسترده تر برنامه انقلابی، عملکرد مسئولانه و تاریخ پر افتخار و شورانگیز سازمان ما بخش موثری از مبارزه‌ای است که سرنوشت آینده کشور، با آن در پیوند است. با سرسختی بی‌مثال فدائیان خلق، در پیشبرد پیروزمندانه این مبارزه بیکبار کنیم!

نعمت آسمانی و فلاکت زمینی

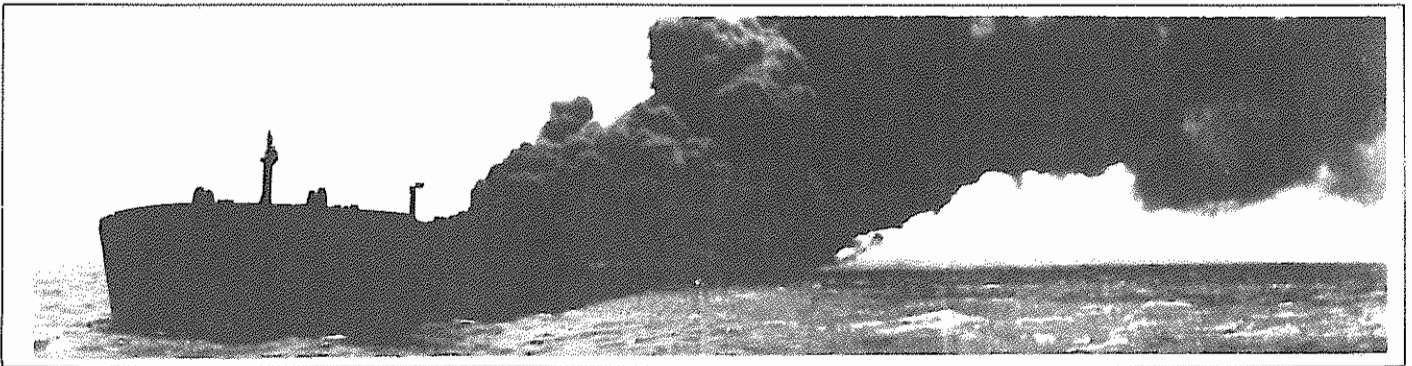
بقیه از صفحه اول
رفسنجانی در نماز جمعه هفته پیش بر زبان راند. او همه شکستها و مصیبت‌ها را "نعمت آسمانی" خواند و از تداوم جنگ تا ۲۰ سال سخن راند. جنگ برای این خونخواران و آدمکشان شاید "نعمت آسمانی" باشد اما برای مردم چیزی جز یک "فلاکت زمینی" نیست.

عوارض این فلاکت زمینی هر روز آشکار تر می‌شود. همین حملات اخیر عراق به پایانه نفتی خارک اکنون دارد تاثیراتش را نشان می‌دهد. آقازاده وزیر نفت جدید جمهوری اسلامی در مصاحبه مطبوعاتی روز دوشنبه هفته پیش ادعا کرد که

"وضعیت کنونی تولید و صادرات نفت خوب است و حتی یک مقدار هم بیشتر از سابق است. حملات به خارک موثر در صادرات ما نیست." این حرف از آن حرفهایی است که فقط مسئولین جمهوری اسلامی وقاحت کافی برای بر زبان راندن آنها را دارند. طبق خیرهای موثق اسکله بزرگ H که مخصوص بارگیری کشتی‌های نفت کش ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تنی است، اسکله بزرگ T که کشتی‌ها با ظرفیت ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تن در آن پهلو می‌گیرند غیر قابل استفاده شده است. اسکله دیگری که در پشت خارک رو به تنگه هرمز وجود دارد اصولاً قادر به پذیرش کشتی‌های بزرگ نیست. سرمایه‌های ملی آتش زده می‌شود، برای جلب رضایت

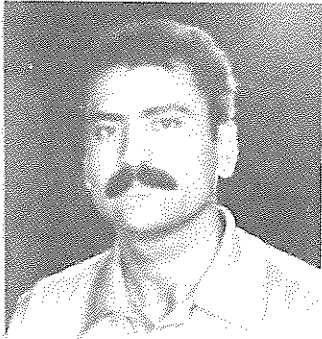
مشتریان، چوب حراج بر نفت ایران زده شده است و آقای وزیر نفت اعلام می‌دارد "وضعیت کنونی ... خوب است"
البته که برای تداوم جنگ باید نفت فروخت. بهر قیمتی و به هر شکلی. آنچه که در خارک و نوروز و نقاط دیگر نمی‌سوزد باید در جبهه‌های زمینی بسوزد و میمه جهنمی شود که فرزندان مردم را می‌سوزاند. دلارهایی که از تاراج دادن نفت به دست می‌آید تا خرج کشتارهای بیشتری شود، برای رهبران رژیم -حکم "نعمت های آسمانی" را دارند. اما برای مردم، این "نعمت آسمانی" در خدمت تشدید "فلاکت زمینی" است.

روزنامه کیهان ۵ آذر می‌نویسد: "حجم نقدینگی کشور ما در سال ۵۷ قریب ۲۵۰ میلیارد بوده است که این حجم متورم شده و هم اکنون بیش از ۶۵۰ میلیارد تومان است که ۹۰ درصد از این مقدار در اختیار ۱۰ درصد مردم است و ۱۰ درصد بقیه در اختیار ۹۰ درصد مردم است." اینها از جمله آثار "نعمت آسمانی" جنگ محسوب می‌شوند. در برابر این وضعیت رهبران رژیم چه می‌گویند؟ پاسخ روشن است. رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته گفت: "این آثار جنگ است و اگر جنگ این طور جامعه را متحول و متحرک می‌سازد، بگذارید جنگ همیشه در جامعه باشد!"



پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی!

زندگینامه رفیق شهید ابراهیم لطف‌الله زاده یک فدایی پولادین و رزمنده‌ای شناخته شده در جنبش خلق کرد



شد. قلبش فشرده شد. با تگرانی به فرزند تگریست. اختیاریار از دست رفت و رو به پاسداران کرد و گفت: "رها کنید پسرم را! او را از من نگیرید!" ابراهیم با لحن متقن اما پیر از کینه نسبت به رژیم، خطاب به مادرش گفت: "مادر! از این مزدوران چیزی نخواه! این حیوانات فقط برای آدم کشتن اینجا ایستاده‌اند."

پس از این دیدار بود که ابراهیم به جوخه اعدام سپرده شد. آسودگی خاطر او در آخرین ملاقات با والدینش بیهوده نبود. می‌دانست که سر بلندی می‌میرد. می‌دانست که تا به آخر فدایی خلق باقی مانده است.

وصیت نامه ابراهیم را به خانواده‌اش ندادند. دژخیمان گفتند: "دادن این وصیت نامه خلاف مصالح جمهوری اسلامی است و باعث کمره شدن کسانی می‌شود که آنرا ببینند."

دژخیمان، وصیت نامه را تنها برای پدر ابراهیم خواندند: "...من در راه آزادی طبقه کارگر و در راه‌هایی همه انسانهای در بند مبارزه کرده و در این راه کشته می‌شوم. ابراهیم لطف‌الله زاده"

سرشناسی رفیق به عنوان یک فدایی پولادین قدیمی و رزمنده برجسته سنگر مقاومت خلق کرد، دژخیمان را بسیار حریص ساخته بود. آنها می‌پنداشتند اگر او به زانو درآید، می‌توانند تا مدت‌ها در بیوقرکنای خود بدمند. اما رفیق، فدایی وار ایستاد و فدایی وار شهید شد و با مقاومت دلیرانه خود، ضربه دیگری بر ارتجاع زد.

قریب به ۴ سال شکنجه دادن، دیتگر، دژخیمان رژیم را به این نتیجه رساند که ابراهیم، شکنجی نیست. از همینرو فرمان اعدامش را صادر کردند. رفیق ابراهیم در روز ۱۳۶۴/۶/۲۱ برای آخرین بار با والدین خود ملاقات کرد. او در این ملاقات بسیار سرزنده و بشاش بود. وقتی که ابراهیم حلقه ازدواج، ساعت و عکس همسرش را که در گذشته بود به پدرش داد، او پرسید: پسرم، آیا این آخرین دیدارم است؟ ابراهیم خندید. یکی از کارهای دستی دوران اسارتش را که نقش گلی بر روی یک سنگ بود نیز به مادرش هدیه کرد. مادر هر اسان

بندگی تو بخش با رویانده است
رفیق و ترازم تو با ما مانده است
فریاد تو می‌شکوند و می‌گوید
این سینه‌سرد و خن را می‌خوانده است

سازمان عقوبین المللی، کستار و شکنجه در ایران را تقبیح کرد

شلاق، کابل تلفن و سیم‌های فنی که رشته‌های آن در انتها از هم جدا هستند تا زخم‌های عمیق‌تری ایجاد کنند، رایجند. زندانیان سیاسی در ایران ساعتها از سقف شکنجه‌گاهها آویخته می‌شوند یا با سیکار و دستگامهای الکتریکی سوزانده می‌شوند. زنان و مردان زندانی غالبا مورد تجاوز قرار می‌گیرند.

فراتر از آن، این سازمان شیوه‌های شکنجه روانی را که علیه زندانیان سیاسی به کار گرفته می‌شوند مورد انتقاد قرار داده به نقل از روزنامه آلمانی آلتکامپنه تساتیوتک - ۱۱ دسامبر

روز گذشته سازمان عفو بین‌المللی، دستگیری‌های بی‌دلیل خودسرانه و متداول هزاران ایرانی، اعدام‌ها، شکنجه و حبس‌های دراز مدت بدون محاکمه را شدیداً محکوم نمود.

این سازمان در نامه‌ای به شورای سیاسی مجلس پارلمان اروپا نوشت "هزاران زندانی سیاسی در ایران وجود دارد." حبس‌های سیاسی طول می‌کشند. تعداد واقعی زندانیان سیاسی بندرت قابل تعیین است. در مواردی همه افراد یک خانواده در زندان بصری‌برند. اشکال تنبیه بدنی شامل ضربه با

هدانی بود که در سال ۱۳۵۶ در خرم آباد، به دست مزدوران رژیم سرنگون شده شاه، شهید شد.

رفیق ابراهیم در سال ۱۳۵۴ بر اثر پیگرد پلیس و ساواک شاه، به زندگی مخفی رو آورد. در سال ۱۳۵۵ رهبری سازمان ما ضربه خورد و ارتباط رفیق ابراهیم با سازمان قطع شد. اما رفیق رژیم خود را پیش برد. او یکی از همزمانش تصمیم گرفتند مبارزه خود را در صحنه رژیم خلق فلسطین پیش ببرند. بهمین جهت از کشور خارج شدند و به این پهنه از مبارزه خلقهای منطقه که برای آنان تجربیات گرانقدری به همراه داشت، گام نهادند. او در این جبهه نیز شور و از خود گذشتگی و دلآوری کم نظیری از خود نشان داد.

رفیق ابراهیم با اوچگیری انقلاب بهمین باز گشت. رفیق در دور جدید مبارزه در سنگر مقاومت خلق کرد قرار گرفت. خلق کرد بی‌گمان مرکز یاد این رفیق را که سبیل شجاعت، هوشیاری، آگاهی و درایت بود، از خاطر نخواهد برد. او در این سنگر سراپا شور و حرکت بود. آموخته‌های خود در جبهه رژیم خلق فلسطین را به پیشمرگان خلق کرد انتقال می‌داد و با وربرجسته آنان در مقاومت در برابر یورش ارتجاع بود. "سعید" را در کردستان همه نیروهای رزمنده، بویژه آنانی که نقش اصلی را در پیشبرد امر مقاومت ایفا می‌کردند، به خوبی می‌شناختند. محبوبیت او در میان رفقای سازمان در کردستان و در میان دیگر رزمندگان کرد، همواره مثال زدنی خواهد بود.

رفیق ابراهیم لطف‌الله زاده، در سال ۱۳۶۰ به دست عوامل رژیم جمهوری اسلامی افتاد. ابتدا او را در زندان تبریز به بند کشیدند، بعد او را به عسرت آباد منتقل کردند، ۵ ماه او را به اوین فرستادند، ۶ ماه در زندان گورهدشت کرچ محبوس ساختند و بعد از ۱/۵ سال مجدداً روانه اوینش کردند. در جریان این نقل و انتقالات، همه شکنجه‌گران سرشناس رژیم با انواع شکنجه‌ها عزم او را آزمودند و مایوسانه دریافتند که رژیم با خون این فدایی قهرمان عجبین شده است. شکستن در مرام و منش و شخصیت ابراهیم نبود. دژخیمان فراوان تلاش کردند، اما هر بار ناامیدتر گشتند.

رفیق شهید ابراهیم لطف‌الله زاده - که در سازمان خاصه در کردستان با نام مستعار "سعید" شهرت داشت - در سال ۱۳۳۱ در شهر خوی بدنیا آمد. پدرش معلم و مادرش خانه‌دار بود. وضع زندگی خانواده پائین تر از یک خانواده متوسط الحال بود. پدر او در سال ۱۳۴۰ به قم انتقال یافت. بهمین خاطر ابراهیم، دوران تحصیل خود را در این شهر گذراند. در همین سالهای اولیه دبیرستان با اندیشه‌های چپ آشنایی یافت و دریافت که باید در راهی گام بگذارد که ستاره پرفروغ سوسیالیسم را در پیش رو دارد. او حین تحصیل به کارهای مختلف - چون مکانیکی، آهنگری و نجاری اشتغال داشت. او از این طریق کمک حال خانواده خود بود، علاوه بر این که از نزدیک با زحماتشان در تماس قرار می‌گرفت و با زندگی آنان تماس گسترده‌تری می‌یافت. جهت گیری مبارزاتی او در این دوره از زندگی پر بارش، دم بدم پررنگ تر شد، آگاهی خود را افزایش می‌داد و دیگران را نیز آگاه می‌ساخت. او روحیه جمعی و عشق به کار و تلاش و زندگی زحمتکشان را در خانواده و در میان دوستان خود، گسترش می‌داد. از این طریق سهم بسزایی در جهت گیری‌های بعدی آنان ایفا کرد.

رفیق ابراهیم در سال ۱۳۵۰ دیپلم خود را گرفت و در همان سال در رشته کشاورزی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد. گام نهادن به دانشگاه روابط سیاسی وی را گسترش بخشید. در همان سال اول به عنوان یکی از فعالین مبارزات دانشجویی شناخته شد. در آن هنگام کمتر از یک سال از اعلام موجودیت سازمان می‌گذشت اما دیگر، همه نیروهای مبارز با نام و راه سازمان آشنا شده بودند. رفیق ابراهیم نیز در سال ۵۰ با ورود به دانشگاه تبریز - که یکی از پایگاههای مهم سازمان ما محسوب می‌شد - بلافاصله توانست با سازمان بیشتر آشنا شود. چندی نپایید که با تلاش خود او و با شناختی که رفقای سازمان از او کسب کرده بودند، با سازمان رابطه پیدا کرد و در سال ۱۳۵۱ به عضویت این تشکل رزمنده که کانون اصلی رژیم انقلابیون بود، درآمد. از جمله همزمان آن هنگام وی رفیق قاسم

سازمان ملل، جمهوری اسلامی را به علت نقض حقوق بشر محکوم کرد

هفته گذشته مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای درباره نقض حقوق بشر، جمهوری اسلامی را محکوم کرد. صدور این قطعنامه رأی محکومیت آن از سوی این گسترده‌ترین مجمع جهانی چشم‌ساز جمهوری اسلامی را برانگیخت. در نخستین واکنش رسمی جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه ضمن ابراز مخالفت با رأی صادره تصریح شده است که حکومت کماکان بر اساس "قوانین اسلامی" و بشیوه گذشته با مخالفین برخورد خواهد نمود.

بودجه سال ۶۵ به مجلس ارائه شد

روز یکشنبه ۱۰ آذر ماه، میرحسین موسوی نخست وزیر، لایحه بودجه سال ۶۵ را به مجلس برد. یک هفته پیش از ارائه این لایحه، بحث بر سر بودجه سال ۶۵ عملاً در مجلس آغاز شده بود. بر اساس گزارش موسوی، نکات محوری بودجه سال ۶۵ عبارتند از:

* جنگ - در سال ۶۵ هزینه‌های نظامی جنگ که موسوی آنرا "اصلی‌ترین محور تمام فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی" جمهوری اسلامی نامید، علیرغم کاهش درآمدهای کشور، ۱۲/۵ درصد افزایش خواهد یافت. علاوه بر این همه ادارات و ارگانهای دولتی موظف شده‌اند، بخشی از بودجه خود را به تأمین نیازهای جیبی تخصیص دهند. در این رابطه موسوی در مجلس اظهار نمود که "دستگاههای مختلف دولتی را موظف نموده تا به نیازهای جیبی اولویت تمام داده و توجیحات و امکاناتی که در این رابطه مورد احتیاج است را در اختیار نهادهای مربوطه قرار دهند."

* بودجه عمرانی - بودجه عمرانی در سال آتی نیز کاهش خواهد یافت. بنابه اظهارات موسوی، بخش اعظم هزینه‌های فعالیت‌های عمرانی پیش‌بینی شده نیز باید توسط مردم و با از محل استقراض از بانکها تأمین شود. برای مثال: "پیش‌بینی شده است که هرگاه مردم یک ناحیه ۵۰ درصد از هزینه‌های یک طرح عمرانی را تأمین نمایند دولت موظف است، ۵۰ درصد دیگر این هزینه‌ها را تأمین نماید."

* درآمدها - کل درآمدهای پیش‌بینی شده برای سال ۶۵، معادل ۲۲۸۸/۵ میلیارد ریال خواهد بود که نسبت به سال ۶۴، معادل ۶/۶ درصد کاهش خواهد داشت. علت کاهش درآمدها، ناشی از کاهش درآمد نفتی کشور اعلام شده است. موسوی در این رابطه افزود: "پیش‌بینی کاهش درآمدهای دولت در سال آتی ناشی از برآورد کمتر، لکن حقیقتی تر از درآمد نفت می‌باشد. زیرا درآمد نفت در بودجه مصوب سال جاری ۱۸۶۷ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود که عملاً متحقق نخواهد شد. به همین جهت این درآمد برای سال آتی ۱۶۰۰ میلیارد ریال برآورد گردیده است که ۱۴/۲ درصد کمتر از سال گذشته است." در زمینه درآمدهای دولت، میزان مالیاتها تا ۱۱۶/۴ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت، حال آنکه ۵۲۸/۱ میلیارد ریال نیز بعنوان درآمد ویژه دولت اعلام شده است. بودجه سال ۶۵، با وجود کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی، معادل ۶۲۵ میلیارد ریال کسری خواهد داشت.

اعتراف نخست وزیر به کاهش صادرات نفت

صادرات نفت خوب است. و حتی یک مقدار هم بیشتر از سابق است." وی درباره نتایج حملات نیروی هوایی عراق به خارک اگر چه مدعی شد که "حملات عراق به خارک موثر در صادرات ما نیست" ولی در عین حال تلویحاً به ناتوانی جمهوری اسلامی در دفاع از این جزیره و شدت خسارات وارده بر ترمینال خارک اعتراف کرده و اعلام داشت که "در آینده کنیم تا از چند محل برای بارگیری استفاده کنیم تا از اهمیت خارک در صادرات نفتی کاسته شود." آفازاده در این رابطه از سه پروژه یاد کرده که به زعم وی با استفاده از آنها صادرات نفتی جمهوری اسلامی آسیب ناپذیر خواهد شد.

البته پیش از آفازاده و مدت‌ها قبل مطبوعات غربی خبر از طرح پروژه‌هایی داده بودند که طبق آنها شرکت‌های مطالعه‌کار اروپائی و ژاپنی خطوط لوله تازه‌ای از مناطق نفت خیز به سواحل تنگه هرمز و دریای عمان خواهند کشید. سخنان آفازاده تأیید وجود این پروژه‌ها توسط مقامات دولتی است. اجرای این طرح‌ها بدین معنی خواهد بود که پایانه نفتی خارک همانند پالایشگاه عظیم آبادان که مبلغ بی حسابی از سرمایه‌های ملی صرف بنای آن شده است غیرقابل دفاع شناخته شده و تقریباً بلااستفاده رها می‌شود.

آفازاده در این مصاحبه بمتناهی اقدام تازه‌ای در تضعیف بیشتر اوبیک اعلام داشت که هرگاه عراق یک بشکه بیش از سهمیه خود نفت صادر کند، جمهوری اسلامی دو بشکه بیشتر صادر خواهد کرد. البته این تهدید اوبیک شکنانه در حالی صورت می‌گیرد که بنابه همه گزارشات و شواهد، جمهوری اسلامی از یافتن بازار جهت سهمیه مقرر خود نیز عاجز می‌باشد.

میرحسین موسوی، نخست وزیر در جریان گزارش دولت درباره بودجه سال ۶۵ به مجلس برای نخستین بار از کاهش صادرات نفتی در جمهوری اسلامی سخن گفت و ابراز نگرانی کرد. وی در این مدت افزایش یافته است. موسوی در گزارش خود به مجلس اظهار داشت: "در سال ۶۴ اگر دولت توانست از تاثیر حملات دشمن بر منابع صادرات نفتی کشور بکاهد، اما تاثیر قهری این حملات و وضعیت نامطلوب بازار جهانی نفت موجب عدم تحقق بخش‌هایی از درآمدهای دولت شد." وی در خصوص کاهش درآمدهای دولت در اثر کاهش صادرات نفتی جمهوری اسلامی آماری نیز ارائه کرد. بر اساس این آمار در هفت ماهه اول سال جاری تنها ۶۱ درصد از درآمد پیش‌بینی شده برای این مدت زمان (هفت ماه) تحقق یافته است. با این حساب بنا به اعتراف موسوی درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی بیش از یک سوم کاهش داشته است.

آیات مینال خارک هم به سر نوشت پالایشگاه آبادان دچار می‌شود؟

آفازاده وزیر نفت جدید کابینه موسوی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی که روز دوشنبه ۱۱ آذرماه برگزار شد، گفت: "وضعیت تولید

رفسنجانی در نماز جمعه: بگذر ازید جنگ همیشه در جامعه باشد

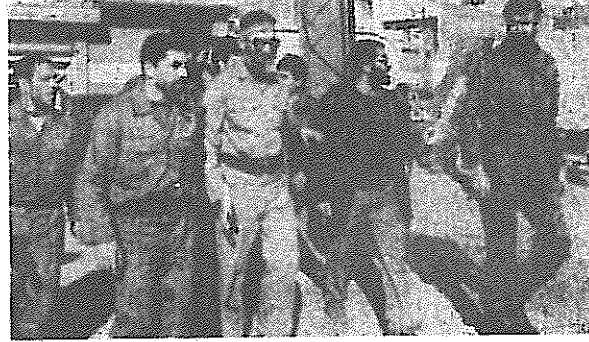
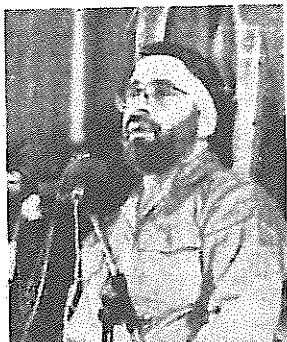
گذشته وارد پایگاه هوایی نوره شده بود، طی سخنانی خطاب به بسیج گفت: "در ادامه حمایت شما از جبهه‌ها، دشمن سرگردان شده است که ما می‌خواهیم بیکار کنیم؟!"

طی روزهای گذشته در تبلیغات جنگ طلبانه میان سرکردگان رژیم مسابقه‌ای در گرفته است. عکس‌هایی از خامنه‌ای و موسوی که در این صحنه مشاهده می‌کنید. نشان می‌دهد که چگونه رئیس جمهور و نخست وزیر رژیم خمینی با آراستن خود به هیبت اعضای "کاروانهای کربلا" در ادبای جنگ طلب تر بودن خود رقابت می‌کنند.

بقیه در صفحه ۹

رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ آذرماه اظهار داشت: "بگذر ازید جنگ همیشه در جامعه باشد... اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد رحمت الهی خواهد بود" رفسنجانی آمادگی رژیم را برای دست زدن به یک ماجراجویی خونین اعلام داشته و درباره شیوه سیاست پیشبرد جنگ گفت: "از شمالی‌ترین جبهه‌ها تا جنوبی‌ترین جبهه‌ها باید پر از جمعیت آماده حمله باشند، و اگر چنانچه عراق شراستی نکند ما همان سیاست قبلی خودمان را ادامه می‌دهیم و با توجه به شرایط سیاسی جنگ هر وقت مناسبست پیش‌آید، کار خودمان را انجام می‌دهیم."

خامنه‌ای رئیس جمهور نیز که در هفته



ناگزیر به مبارزه دسته جمعی گردیدند. مسئولین شرکت تا دهم مهر ماه از پرداختن حقوق آنان خودداری ورزیدند. در برابر اعتراضات و مراجعات کارگران می‌گفتند، دستمزد ماهانه پس از بازگشت مدیر عامل شرکت از مسافرت پرداخت خواهد شد. اما کارگران به طور جمعی دست به اقدام زده و با اقدامات پیکر در اواسط مهر ماه موفق به دریافت حقوق شهریورماه گردیدند.

پرسنل ارتش در برابر رژیم

دزفول - پرسنل نیروهای مسلح با وجود همه تضییقات موجود هیچ فرصتی را برای ابراز انزجار نسبت به جنگ و رژیم جمهوری اسلامی از دست نمی‌دهند. در پایگاه وحدتی دزفول، سربازان، درجه داران، همافران و افسران از حضور در کلاس‌های عقیدتی - سیاسی خودداری می‌کنند. عدم حضور در این کلاسها که به رغم بخشنامه‌های اکید فرماندهان صورت می‌گیرد، شکل آشکارمقابله با رژیم است. در این کلاسها مسئولین دوایر سیاسی - ایدئولوژیک و دیگر مبالغین رژیم، به تبلیغ پیرامون امر جنگی می‌پردازند.

این شکل مقابله، بتدریج به حرکتی فراگیر و پرمشورتی در این پایگاه بدل گردید و مسئولین راه‌آسان ساخت. از اینرو در پانزدهم مهر ماه طی بخشنامه‌ای به پرسنل پایگاه اخطار کردند که عدم شرکت در این کلاسها منجر به تنبیه، ندادن ارتقا، درجه و کاهش حقوق خواهد گردید. اما این تهدید نتیجه دلخواه مقامات را ببار نیاورد و همچنان گروه کثیری از نظامیان از شرکت در کلاسها اجتناب می‌کنند.

چند نمونه از تضییقات علیه کارگران

اهواز - در راه آهن اهواز طی بخشنامه‌ای به تاریخ ۱۲ مهر ماه به کارگران راه آهن ابلاغ شده است که باتوجه به شرایط جنگی و فقدان بودجه کافی، از این پس به کارگران راه آهن حق اضافه کاری تعلق نخواهد گرفت. این امر باعث می‌شود که از حقوق ماهانه کارگران و کارمندان ۵۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان کاسته شود.

وزارت صنایع و معادن در بخشنامه‌ای خطاب به صنایع فولاد ملی ایران خواستار شده است که طرح اخراج موقت (سالی دو ماه) کارگران مازاد بر نیاز را به اجرا در آورند. "کارگران مازاد بر نیاز" اصطلاحی است که مسئولین در مورد عر کارگری که بخواهند از کار بیکار نمایند بکار می‌برند.

بندر خمینی - کار در اسکله‌های این بندر متوقف شده است. اما کارگران هر روزه در محل کار حضور بهم می‌رسانند. مسئولین از پرداخت بخشی از دستمزد ماهانه آن خودداری می‌کنند. اکنون به هر یک از آنان فقط ماهانه ۲۵۰۰ تومان دستمزد می‌دهند.

مسجد سلیمان - پروژه بزرگ خانه سازی مسجد سلیمان در شرف تعلیل است. سرپرست پروژه قصد دارد ۸۵ تن از کارگران را اخراج نماید.

خبرهایی از استان خوزستان

سرنوشت کارکنان پالایشگاه آبادان

چه خواهد شد

آبادان - سرمداران جمهوری اسلامی و وزارت نفت در تدارک آن هستند که تعطیلی پالایشگاه بزرگ آبادان را دائمی نمایند. کاراین پالایشگاه از آغاز جنگ در سال ۵۹ متوقف شده است و کارکنان آن به طور موقت در مناطق دیگر در واحدهای تابعه وزارت نفت به کار گمارده شدند. اکنون وزارت نفت در صدد است این انتقال موقت را دائمی سازد. در جهت اجرای این امر و به منظور کنکاش دریافتن طرق اجرای آن، در مهرماه جلسه‌ای برپا گردید که تا ده روز به درازا کشید. در این جلسه رئیس پالایشگاه و روسای بخش‌های مختلف آن از قبیل خدمات و هم چنین روسای برخی از ادارات وابسته به وزارت نفت، شرکت داشتند. در جلسه جوانب مختلف امر انتقال کارکنان پالایشگاه به صنایع پتروشیمی، خط لوله، مخابرات، نفت فلات قاره و... بررسی شد.

مسئولین وزارت نفت علاوه بر زمینه سازی در جهت اجرای طرح فوق، در صددند تعدادی از کارکنان پالایشگاه را پیش از موعد بازنشسته کنند. عده زیادی از کارگران و کارمندان دارای بیش از ۱۵ سال سابقه خدمتی مشمول بازنشستگی پیش از موعد خواهند شد. طرح باز خرید کارکنان با بیش از ده سال سابقه کار نیز مورد نظر است. گفته می‌شود این طرح بیش از دیگران شامل کارکنان زن پالایشگاه خواهد شد.

از مبارزات نفتگران علیه جنگ

نفت صادر می‌کنیم" او با بر شردن مخالفت‌های کارگران به تهدید کارگرانی که از ادامه کار در جزیره سرباز می‌زنند، پرداخته و گفت پاسداران مخالفت این دسته از کارگران را سرکوب خواهند کرد.

این اراجیف و این گونه تهدیدات به نتایجی کاملاً خلاف انتظار مسئولین انجامید. کارگران نفت، این مبارزان دلیر و سرسخت، واکنش تنیدی نشان دادند و در پی آن درگیری پدید آمد که طی آن تولاپی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. کارگران که از یابوه‌گوشی‌های او بشدت برآشفته شده بودند، او را کشان کشان بروی اسکله کشادند. پاسداران به زحمت توانستند او را از دست کارگران و از غرق شدن در دریانجات دهند.

اکنون مبارزه کارگران در جزیره خارک، به منظور دستیابی به مطالبات صنفی با مبارزه در راه استقرار صلح کره خورده است و این مبارزه ادامه دارد. در حمایت از این مبارزه فدائیان خلق در خوزستان اعلامیه‌ای صادر و در سطح استان پخش کردند. کلیشه بخشی از این اعلامیه در شماره قبل چاپ شده بود.

خارک - بمباران مکرر جزیره خارک، برای کارگران این جزیره فاجعه‌بار بود. تعدادی از کارگران به قتل رسیده و جان کارگران دیگر نیز همواره در معرض خطر بود. این امر نارضایتی و اعتراض عمیقی در میان کارگران شاغل در جزیره برانگیخت. کارگران آشکارا و به اشکال گوناگون اعتراض خود را ابراز داشتند. آنها از ادامه کار در جزیره سرباز زدند و علاوه بر این کارگرانی که از دیگر مناطق مامور خدمت در این جزیره می‌گردیدند، از پذیرش این ماموریت خودداری می‌کردند. دادستانی اهواز هر روزه برای عده‌ای از این دسته از کارگران حکم بازداشت صادر می‌کند.

گسترش فزاینده این واکنش اعتراضی کارگری، سرمداران رژیم را وحشتزده کرده است. به منظور مقابله با آن، تولاپی مدیر کل امور مناطق نفت-خیز وزارت نفت در شهریورماه وارد جزیره شد. او در جمع کارگران به سخنرانی پرداخته و اظهار داشت که جمهوری اسلامی مصمم است بهر صورت و بهر ترتیب از این جزیره نفت صادر کند. او گفت: "بهر شکلی که شده باید نفت صادر شود و اگر لازم شود ما بابشکه

فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات چهار ساله شد

نخستین رهبر فدراسیون، خانم اوژنی کاتن بود که تا هنگام درگذشتش در سال ۱۹۶۷، بیشترین نقش و مسئولیت را در رهبری فدراسیون عهده‌دار بود.

ف. ب. ز. د. در برگزاری چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن، چهلمین سالگرد تاسیس سازمان ملل، برگزاری کنفرانس بین‌المللی زنان در نایروبی، برگزاری هفتاد و پنجمین سالگرد هشتم مارس به عنوان روز جهانی زن (در سالمرک کلارا تستکین زن قهرمان سوسیالیست آلمانی) نقش حیاتی ایفا نموده است.

طی چهار سال، جهان شاهد دگرگونیهای مهمی بوده است. بسیاری از مستعمرات سابق، استقلال خود را کسب کرده و زنان جهان، در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند.

در سایه ایجاد سیستم اجتماعی سوسیالیسم، زندگی زنان جهان در عرصه‌ها تغییر یافته است. زنان در بسیاری از موارد با مردان حقوق برابر کسب کرده‌اند. اما بشر هنوز با مشکلات بسیاری مواجه است.

خطر جنگ هسته‌ای زندگی بشر را تهدید می‌کند. ایالات متحده آمریکا در صدد اجرای برنامه‌ای برای نظامی کردن فضا و مخاطرات ناشی از این اقدام، بطور جدی زندگی و سرنوشت جهان را مورد تهدید قرار داده است.

امروز ف. ب. ز. د. و سازمانهای ملی وابسته به آن، در امر بسیج زنان علیه خطرات فوق، فعالانه شرکت دارند. پیش از این، زنان مرکز چنین نقش مهمی در جنبش صلح ایفا نکرده بودند. به عنوان نمونه، می‌توان از گروه زنان گرینهام کامن (محل استقرار موشکهای کروزر در بریتانیا که ماهها در محاصره زنان مبارز قرار داشت) و... نام برد.

مبارزه علیه استعمار، افراطی‌گری راست، تبعیض نژادی و فاشیسم مورد توجه همه کنفرانسها و گردهمایی‌های ف. ب. ز. د. بوده است. همبستگی با جنبش‌های آزادیبخش از اقدامات عاجل فدراسیون در مقاطع مختلف است.

زنان کشورهای مختلف، قدردانی خود را از مبارزات ف. ب. ز. د. در موارد بسیاری اعلام نموده‌اند. برخی از آنان، بیان داشته‌اند که چگونه هنگامی که در زندانها اسیر بوده‌اند، اعلام حمایت و نیز اقدامات ما برای آزادی آنان،

خطر بوده است. اقدامات مادرجهت بسیج زنانی که بیشترین سهم را در جمع‌آوری امضا برای تشکیل کنفرانسهای اول و دوم صلح در استکهلم داشتند، از افتخارات ماست. امروز، پیوسته بر شمارزنانی که به خطر جنگ هسته‌ای واقف گردیده‌اند افزوده می‌شود. آنها نیک می‌دانند که هزینه‌های تسلیحاتی، می‌تواند و باید صرف ریشه‌کن کردن گرسنگی، بیماری و بیسوادی شود...

در سال ۱۹۶۵، ف. ب. ز. د. از ۴۲ سازمان ملی زنان تشکیل شد. این تعداد تا سال ۱۹۸۵ به ۱۳۵ سازمان افزایش یافته است... ارگان فدراسیون، مجله "زنان جهان" در حال حاضر به شش زبان اصلی جهان منتشر می‌گردد. و رسالت شناساندن هر چه بیشتر ف. ب. ز. د. به جهانیان را برعهده دارند.

لازم را نشان داده و از امر صلح و مبارزات منتهی در جهت استقلال و احقاق حقوق خود پشتیبانی نموده‌ایم. ما کوشیده‌ایم درد زنان جهان، امید به پیروزی را زنده نگه داریم تا در راه اهدافشان لحظه‌ای از پا ننشینند.

فدراسیون، صرفا به اعلام پشتیبانی از اهداف فوق اکتفا نکرده، بلکه عملا در سازماندهی و آموزش زنان سراسر جهان جهت شرکت فعال در مبارزه، کوشیده است.

ف. ب. ز. د. حفظ صلح جهانی را محور همه فعالیت‌های خود می‌داند. ما از پشتیبانان فعال برگزاری کنگره جهانی صلح بودیم که در سال ۱۹۶۹، به تشکیل شورای جهانی صلح انجامید. هدف ما، همواره آگاه‌ساختن جهانیان از خطر جنگ هسته‌ای و هماهنگی مبارزات ملی زنان در راه محو این

مقنعه سیاه بر چهره معصوم کودکان

سرشان بر می‌داشتند و بعد آنها را همراه خود می‌بردند. این منظره از یک طرف نشان می‌داد که سران جمهوری اسلامی حتی به این بچه‌های کوچک هم رحم نمی‌کنند و از سوی دیگر مخالفت مردم را با حجاب اجباری بیان می‌کرد.

"مقنعه برای همه مدارس ابتدایی دخترانه هم اجباری شده است. منظره این مدارس پس از تعطیلی در آغاز سال تماشایی بود. مادرانی که برای بردن بچه‌هایشان می‌آمدند، از آنجایی که هوا گرم بود، اول مقنعه‌های این کوچولوها را از



اول دسامبر (دهم آذر) امسال، چهار سال از بنیانگذاری "فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات" گذشت. بدین مناسبت، ترجمه بخشهایی از مقاله "۴۰ سال مبارزه و تلاش پیگیر" نوشته خانم "فردا براون" رئیس فدراسیون، مندرج در مجله "زنان جهان" ارگان این سازمان جهانی را درج می‌کنیم.

فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات (ف. ب. ز. د.) طی چهار دهه، مبارزه زنان سراسر جهان را برای پیشرفت اجتماعی-اقتصادی و تحقق صلحی پایدار، رهبری کرده است.

ف. ب. ز. د. طی عمر چهار ساله‌اش شاهد برگزاری هشت کنگره بوده است. مصوبات این کنگره‌ها، همگی در جهت بسیج زنان برای مبارزه پیگیر در راه احقاق حقوقشان بوده‌اند. نگاهی به گوشه‌ای از نتایج کار این کنگره‌ها، بیانگر اهمیت کار فدراسیون است.

کنگره موسس، منعقد در دسامبر ۱۹۶۵ در پاریس، در شرایطی تشکیل شد که جنگ جهانی دوم به پایان رسیده بود و بررسی راههای برون رفت از مشکلات پس از جنگ در دستور کار قرار داشت.

در میان شرکت کنندگان در کنگره و امضا کنندگان فراخوان پایانی آن، رهبران جنبش مقاومت ضد فاشیستی حضور داشتند. بسیاری از آنان، همسران، فرزندان و برخی، کلیه افراد خانواده خود را طی جنگ خانمانسوز از دست داده بودند. آنها شاهد ویرانی میهن، بمباران خانه‌هایشان و شکنجه و قتل عام مردمشان بودند.

نمایندگان کنگره، با عزم راسخ به مبارزه پیگیر برای حفظ صلح، حمایت از جنبش‌های رهایی بخش ملی و پشتیبانی فعال از مبارزات زنان سراسر جهان و هماهنگی این مبارزات، در این گردهمایی شرکت جستند. کنگره، به زنان سراسر جهان اعلام نمود شرط تحقق این آرمانها، مبارزه فعال در این راه از سوی زنان است. کنگره اعلام نمود حل مسائل و مشکلاتی که زنان جهان با آن روبرو هستند، در گرو مبارزه در راه صلح، آزادی، دمکراسی و استقلال ملی است.

در طول چهار سال، فدراسیون ما بدون وقفه برای تحقق اهداف فوق‌الذکر کوشیده است. مادر مردم همه بصرانه‌های جهانی، بلافاصله واکنش

زندگی و پیکار زنان ایران از دیدگاه مطبوعات جهان

خمینی مخترع آن هستند بهانه‌ای برای ایراد فشار ممتد به زنان است. رژیم از طریق اجبار زنان به رعایت آنچه "حجاب اسلامی" خوانده میشود، در زندگی خصوصی مردم نیز دخالت میکنند و سایه سرکوب عمومی خود را بر سر همه زنان از کوچک تا بزرگ، جوان تا پیر می‌اندازد.

دویچه فولکس تساتینونگ مینویسد: "بر خلاف ادعای شخص خمینی، حجاب اجباری بیماری اجتماعی فحشا را که مولود فقر و بیعدالتی است از بین نبرد... درست بر عکس، قوانین توهین آمیز و ارتجاعی رژیم به فحشا در مقیاس وسیعی دامن زده است. در این رابطه میتوان از امکان صیغه یا "ازدواج با محدودیت زمانی" نام برد."

دویچه فولکس تساتینونگ سپس به توضیح رنج و درد مادران ایرانی که فرزندانشان را در جبهه‌های جنگ ضد خلقی خلیج از دست داده‌اند میبرد از دیدگاه و مینویسد: "برخی از مادران مجبورند تا ۱۶ ساعت در روز کار کنند تا بتوانند مخارج فرزندانشان را که از معرفی خود به مراکز بسیج نیروی نظامی ایران و نظام وظیفه ایران خودداری کرده، و یا از جبهه‌ها فرار کرده‌اند، بپردازند."

در باره وضعیت زنان ایران در زندان‌های مخوف رژیم جمهوری اسلامی، دویچه فولکس تساتینونگ مینویسد: "در سیاهچال‌های این رژیم از دختران جوان ۱۲ ساله تا زنان مسن ۷۰ ساله هزاران تن زندانی‌اند و زجر میکشند. تعداد زنان زندانی در جمهوری اسلامی بیش از دیگر کشورهای جهان است، در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق آنان تنها به جرم خواندن اعلامیه و فعالیت صرفا سیاسی در گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های مخالف رژیم دستگیر شده‌اند... بیش از هزار تن از زنان مخالف رژیم تیرباران شده و بیش از اعدام توسط پاسداران جنایتکار این رژیم خونریز مورد تجاوز قرار گرفته‌اند."

اکثریت زنان ایران از حاکمیت رژیم خمینی رنج می‌برند و مخالف آنند. پیشروترین آنان فعالان در جنبش اپوزیسیون سپیم‌اند و همواره به طور خستگی‌ناپذیر در راه تأمین حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود خواهند رژیم... ۵

هفته نامه دمکراتیک و ضد فاشیستی دویچه فولکس تساتینونگ دی‌نات چاپ آلمان فدرال اخیرا در یکی از شماره‌های خود، گزارشی در باره شرایط زندگی زنان ایران منتشر کرده است که در ذیل رئوس آنرا نقل می‌کنیم.

"دویچه فولکس تساتینونگ" مینویسد: "در ایران رژیم قرون وسطایی حاکم، تمام امیدهای زنان را که فعالان در انقلاب سال ۱۹۷۹ شرکت داشتند، به برابری حقوق و تضمین موقعیت شایسته حقوقی و اجتماعی تبدیل به یاس کرده است... انقلاب ایران مفت سال پیش نشان داده بود که توده زنان ایران از سطح آگاهی بالایی برخوردارند و برای تعیین سرنوشت خود، حاضرند پا به میدان مبارزه گذاشته و جان ببازند... اکنون رژیم جمهوری اسلامی از طرق مختلف در صدد خارج کردن زنان ایران از میدان زندگی فعال اجتماعی و کار و فرستادن آنها به بستوی خانه‌هاست."

"دویچه فولکس تساتینونگ" سپس به تشریح وضع بازار کار در ایران بحران زده میبرد از دیدگاه مینویسد: "زنان به بهانه‌های مختلف از محل کار خود اخراج میشوند. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به عنوان نمایندگان صنفی در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدمات از آنان سلب شده است."

در ادامه آمده است: "بسیاری از زنان جرات استفاده از حقوقی که روی کاغذ از آن برخوردارند را ندارند، مثلا از بیم اخراج، از تقاضای اعطای مرخصی زایمان که برایشان اهمیت حیاتی دارد، خودداری میکنند."

دویچه فولکس تساتینونگ به توضیح در باره "بنیان حقوقی" سرکوب و تحقیر زنان ایران میبرد از دیدگاه و در باره ماده ۲۲ قانون قصاص مینویسد: "این باور کردنی نیست که شهادت چندین زن، مثلا در مورد اینکه مردی مرتکب قتل شده است در برابر ادعای هر چند دروغین یک مرد تنها اعتبار ندارد و بااعت محکومیت متهم نمی‌گردد."

دویچه فولکس تساتینونگ سپس در باره "حجاب اجباری" برای زنان ایران مینویسد: "حجاب باصطلاح اسلامی که حکام تاریک اندیش رژیم

فلاش رژیم برای حذف زنان از کارهای تولیدی

راحت است. ولی به حرف ما گوش ندادند. ما این کار را بلد نبودیم. من "آسم" دارم و اصلا کار کردن با نخ قالی به علت پُری که از آن جدا می‌شود، برایم خوب نیست. این را می‌شود از هر دکتری پرسید... همه را بزور به اینجا آوردند... نمی‌توانیم زیاد حرف بزنیم چون راحت بیرونمان می‌کنند."

مدیر کارخانه، با وقاحت تمام، هدف از ایجاد کارگاه قالیبافی را این ذکر می‌کند که "خانم‌ها را از محیطی که آقایان هستند، جدا بکنیم... ما که نمی‌توانیم ۱۵۰ کارگر زن را یک دفعه بیرون کنیم! ما ۱۵۰ نفر کارگر زن داریم. از این عده ۲۰ نفرشان را توانستیم به کارگاه قالیبافی بیاوریم، ۴ نفر را به شیر خوارگاه فرستادیم و ۲ نفر دیگر را هم توانستیم جای دیگر بفرستیم." وی در پاسخ این سؤال که "جابجایی به میل خود این کارگران بوده؟" می‌گوید: "به دستور ما بوده. به هر حال ما مدیر کارخانه هستیم و دستور می‌دهیم که اینجوری باید کار بشود." (!)

اما زنان کارگر، در برابر ستم لجام گسیخته مدیران و تصمیمات ارتجاعی‌شان سر فرود نمی‌آوردند. آنان از یک سو، دوشادوش برادران طبقاتی خود علیه رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی و برای دستیابی به خواسته‌هایشان می‌رزمند و از سوی دیگر، در مقابل اجحافات ضد زنان، ایستادگی می‌کنند

باشند، از مبارزات مردم جهان در برقراری صلح حمایت نموده و خود نیز در پیشبرد آن نقش بسزایی را عهده‌دار باشند.

ما با امید به آینده، به زنان جوانی می‌تگریم که با اطمینان، در تلاش برای تحقق مصوبات کنفرانس سال ۱۹۴۵، لحظه‌ای از پا ننشسته و در جلب حمایت هر چه بیشتر زنان سراسر جهان برای شرکت فعال در کار سازمانهای وابسته به فدراسیون، سیمانه همت خود را به کار گرفته‌اند. ایمان داریم تلاش آنان به ثمر نشسته و اهداف ما تحقق خواهند یافت ۵

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی، از هیچ کوششی برای حذف هر چه بیشتر زنان از عرصه‌های فعالیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فروگذار نمی‌کند. رژیم تاریک اندیش خمینی از همه بهانه‌ها برای خانه نشین کردن زنان، یا حداقل جدا کردنشان از جریان کارهای تولیدی تا حد ممکن، بهره می‌جوید. نمونه‌ای که اخیرا در مجله "زن روز" بازتاب یافته مشتکی از خروار است.

خود این مجله می‌نویسد مدیران کارخانجات می‌کوشند "فرصتهای شغلی در تمام رشته‌های تولید اقتصادی از زنان گرفته شود و آنها فقط و فقط در رشته‌های معدودی مانند خیاطی و قالیبافی امکان اشتغال بیابند. رشته‌هایی که نقش چندانی در تولید اقتصادی کشور ندارند. مدیرانی که در کارخانه‌های خود اینگونه با زنان کارگر برخورد می‌کنند، می‌گویند: می‌خواهیم تمام زنان کارگر را از همه سالنهای مختلف تولیدی جمع کرده و در کارگاههای تولیدی پوشاک، خیاطی و قالیبافی بکار بگیریم."

در کارخانه چیت سازی، یک کارگاه قالیبافی دستی ایجاد کرده‌اند که از پیش از یک سال پیش، ۲۰ کارگر زن در آن به قالیبافی مشغولند. اکثر آنها در مصاحبه با خبرنگار، علیه این زور کوبی اعتراض کرده‌اند. یکی از زنانی را که از کنار ماشین بافندگی به پای دار قالیبافی آورده‌اند می‌گوید: "ما را بزور به اینجا آورده‌اند. به آنها گفتیم که کارمان

به ایشان قدرت بیشتری برای ادامه مبارزه داده است...

مطالبات زنان در جهت کسب آزادیهای هر چه بیشتر، از اساسی‌ترین انگیزه‌های شکل‌گیری ف. ب. ز. د. بود. مبارزات زنان برای آزادی، بستگی تام با مبارزات ملت‌ها علیه ستم ملی دارد و در این زمینه، نقش زنان را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت. آنها به عنوان نیروی محرکه این مبارزات، ورژنه سنگینی در جهان به شامی آیند.

زنان بطور گسترده برآیند، ضمن رشد شخصیت خود، فعالان در زندگی سیاسی ملت‌هایشان شرکت داشته

اخاذی و فریبکاری

رژیم جمهوری اسلامی نفرت انگیزی است، هم از نظر مضمون سیاستهایی که پیش می‌برد و هم از نظر شیوه‌هایی که برای تحمیل سیاستهای ضد مردمی خود پیش می‌گیرد. دو نمونه از این شیوه‌ها را که در یک کارخانه پیش آمده است، ذکر می‌کنیم:

در تاریخ ۲۲ مرداد امسال کارگران کارخانه پارچه‌بافی کشمیر حق افزایش تولید چند ماهه خود را دریافت کردند. به محض وصول مبلغ مربوطه، انجمن اسلامی از کارگران خواست که مقداری از دریافتی‌های خود را برای کمک به جنگ اختصاص دهند. کارگران بسیار خشمگین شدند، هم به جهت این فرصت طلایی انجمن اسلامی و هم به جهت این که از جنگ بیزارند و با اصطلاح کمک به جبهه را یک اخاذی می‌دانند. انجمن اسلامی وقتی دید روزه‌خوانی و فریبکاری بی‌حاصل است، به تهدید رو آورد و مشخصاً برای کارگران خط و نشان کشید. بعضی‌ها از ترس پرونده سازی و اخراج، با اکراه و نفرت تمام، مقداری پول جلوی این سرگردنه گیرها گذاشتند. بعد از این جریان نفرت از انجمن اسلامی و اخاذی برای جنگ، اوج بیشتری یافت.

اما از مدیریت کارخانه بگوییم که انجمن اسلامی‌چی‌ها عوامل آن مصوب می‌شوند. اخیراً در قسمت "دولت‌تاب" کارخانه کشمیر، کارگران در اعتراض به سخت‌گیرانه‌ی سرپرست سمت، دست به اعتصاب زدند.

کارگران اعتصابی سراغ مدیر کارخانه رفتند و خواهان آن شدند که نماینده وزارت کار به جمع آنها بیاید و از نزدیک شکایاتشان را بررسی کند. روز بعد یک نفر به عنوان نماینده وزارت کار به میان کارگران آمد، مثلاً شکایت آنها را شنید، عده‌ای از آنان را شناسایی کرد و دست‌آخرا حکم داد که همه بیرون سرکارشان! هفته بعد کارگران معترض به وزارت کار سر زدند تا شکایاتشان را بی‌پکیزند. در آنجا معلوم شد که وزارت کار کسی را به عنوان نماینده به کارخانه نفرستاده و آن نماینده قلبی یکی از عوامل مدیریت بوده است. با این که اگر چنین نماینده‌ای هم می‌آمد، وضع فرقی نمی‌کرد اما این فریبکاری آقای مدیر به شدت خشم و نفرت کارگران را برانگیخت.

گرسنگی برای کارگران، لقمه‌های چرب برای مقاطعه‌کاران

بسیاری از کارگران بر اثر نیافتن کار به بد آب و هواترین نقاط کشور رو می‌آورند ولی در آنجا نیز آش همان است و کاسه همان. از جمله نقاطی که قبلاً مقدار اندکی از نیروی کار را جذب می‌کرد جزایر جنوب بود. اما اکنون در این جزایر نیز نمی‌توان کاری دست و پا کرد. بودجه عمرانی جزایر جنوب به دلیل تداوم جنگ از حدود ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۶۲ به حدود ۶۰ میلیون تومان در سال جاری تقلیل یافته است نتیجتاً پروژه شهرک سازی در جزایر هرمز، تنب بزرگ و ابوموسی تعطیل شده و حجم دیگر برنامه‌های در جریان به شدت کاهش یافته است.

سرمایه‌داران و عوامل رژیم برای آنچه که باقی مانده است چنان کیسه‌های کشادی دوخته‌اند که حتی از پرداختن یک دستمزد بخور و نمیر به کارگران آن شاغل در پروژه‌های درست



مهم که طبیعتاً نباید حرفی زد.

سرمایه‌دارانی که چنین کارگران را استثمار می‌کنند، اکثر آن‌ها دور قاب چین‌های رژیمند. به عنوان نمونه شخصی به نام تفته که مسئولیت کلیه سنگ‌شکن‌های جزایر را به عهده دارد، از نزدیکان سران رژیم است و یا پروژه شهرک صیادان ابوموسی به برادران شفیع و اکدار شده که از نزدیکان موسوی نخست‌وزیر می‌باشند. این نوکیسه‌های حریص همانند یک دشمن خارجی هستند که بر کشوری مسلط شده باشند، می‌خواهند تا جایی که ممکن است و تا جایی که فرصت باقی است بچاپند و غارت کنند. بیهوده نیست که دزدی و رشوه خواری بر سر پروژه‌های جزایر جنوب به شدت رواج دارد. بر سر پروژه ترمینال بزرگ بندر عباس، پیمانکار فقط به معاون استانداری هرمزگان دو میلیون تومان رشوه داده و حالا تمامی تیر آهن سفارش می‌دهود در بازار سیاه با سودهای سرسام‌آور به فروش می‌رساند. در جزایر، پیمانکاران طرح‌های ساختمانی، ابتدا برای عوامل رژیم یک واحد مسکونی می‌سازند تا با این رشوه آنها راضی کنند و بعد خودشان دزدی‌ها و غارتگری‌هایشان را پیش می‌برند. آری، در جمهوری اسلامی نصیب کارگران گرسنگی است و نصیب سرمایه‌داران لقمه‌های چرب بی‌حساب.

بیشتری بی‌گرفته شد. سپاه عوامل خود را در قسمت توزیع به کارگماشت و در گوشه و کنار کارخانه پاسداران را در لباس معمولی و به عنوان کارگر، مامور کنترل و نیز اعتصاب شکنی نمود. این شیوه‌ها نیز که موثر واقع نشد آخوند سابق الذکر مامور گردید به کارخانه آمده و با کارگران اعتصابی "اتمام حجت" کند. معنی حرفهای او روشن بود: یا گلوله و یا شکستن اعتصاب! اعتصاب را این "اتمام حجت" خاتمه نداد. رژیم قاطعیت کارگران را دیده بود و ناچار اندکی کوتاه آمد. کارگران از این موضوع درسهای بسیاری آموختند. نباید از توپ و تشر رژیم ترسید. در سرکوبگری و وحشی‌گری رژیم جای کوچکترین شکی نیست. اما تفنگی که به جا و نابجا یکریز شلیک کند، داغ خواهد کرد و خود مساله‌ساز خواهد شد. اتحاد و آگاهی کارگران، سلاحی بسیار نیرومندتر از فریب و سرکوب است. کارگران کارخانه کاشی سازی پارس در عمل به این موضوع واقف گشته‌اند. همه حرکت‌های اعتراضی این موضوع را برای کارگران اثبات می‌کند.

شد. از جمله یکی از مدیران سازمان صنایع ملی - که کارخانه کاشی سازی پارس زیر پوشش آن مصوب می‌شود - به کارخانه آمد تا با فریبکاری و چرب‌زبانی کارگران را به کار وادارد که موفق نشد. کارگران او را "هو" کردند و خنده‌هایشان را در برابر خودش افشان نمودند.

هرزمان با توسل به سلاح نیرنگ، تدارک سرکوب نیز آغاز شد و آنگاه که نهادهای سرکوبگر رژیم بی‌برند کارگران را نمی‌توان با وعده و وعید فریب داد، دستگیری و بی‌گردد کارگران را آغاز کردند و سپس به یک یورش عظمی رو آوردند. روز ۷ مرداد سپاه پاسداران منطقه شهر صنعتی البرز قزوین به کارخانه حمله برد و ضمن ضرب و شتم کارگران اعتصابی، ۵ نفر از آنان را دستگیر کرد. دستگیرشدگان به شدت تحت فشار و شکنجه قرار گرفتند به حدی که یک نفر از آنان ناحیه راست قفسه سینه‌اش، شکست. روز بعد یورش تکرار شد. مجدداً دو نفر دستگیر شدند.

بعد از این سرکوب‌گرها بار دیگر سلاح فریب آزموده شد که باز هم کارگر نیفتاد. سرکوب با شدت

مسئولین رژیم: با کارگران...

بقیه از صفحه ۱)
دیدیم. هیچ کدام فایده‌ای نداشته‌اند! ما تسلیم باج خواهی شما نخواهیم شد! مگر بیادتان رفته است بر سر کارگران اعتصابی شرکت ساسان چه بلایی آوردیم؟"
اعتصاب کارگران کارخانه کاشی سازی پارس قزوین، به لحاظ نمونه‌وار بودن خود از نظر شیوه برخورد رژیم با جنبش کارگری جای تامل دارد. اعتصاب در این کارخانه در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل صورت گرفت. روز اول مرداد ماه قسمت توزیع در شیفت بعد از ظهر دست از کار کشید. اعتصاب بقیه قسمت‌ها را نیز در بر گرفت. ابتدا کارگران شیفت شب و بعد کارگران شیفت صبح اعتراض خود را آغاز کردند.

مسئولین رژیم در منطقه یکی دو روز اول نسبت به اعتصاب حالت بی‌اعتنایی گرفتند. با این امید که عواملشان خاصه انجمن اسلامی بتوانند اعتصاب را از درون فرو بنشانند. سپس کار به خنده و فریب کشید. روزه‌خوانی‌های همیشگی تکرار

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

تمامی مصوبات هیات دولت باید به مجلس گزارش شود

طرح "اطلاع مجلس از مصوبات هیات وزیران" از سوی کمیسیون تدوین آئین نامه داخلی مجلس، به مجلس ارائه شد. بر اساس ماده واحده این طرح "هیات وزیران مکلف است هر مصوبه و تصویب نامه را بلافاصله از طریق کمیسیونها به اطلاع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برساند." پیرامون این طرح در مجلس بحث و گفتگو صورت گرفت، موافقین مطرح می کردند که مجلس باید در جریان امور دولت باشد و "اینطور نباشد که مجلس در مقابل کار انجام شده قرار بگیرد و بعد هم هر چه تقلا بکند فایده ای نباشد." و مخالفین نیز از دولت و استقلال آن حمایت می کردند. یکی از نمایندگان در مخالفت با این طرح گفت: "مجلس که اینهمه کار دارد حال بیاید بجای دولت هم بنشیند و بشود یک دولت، یعنی آقایان در آنجا گوش بزنند بشوند که مجلس چه می گوید و دنبال آن بروند. یعنی سلب اختیارات به تمام معنی از اعضای دولت است."

لازم به یادآوری است که اجتناب از "دولت سالاری" که مضمون سخنان موافقین طرح بود از جمله محورهای تبلیغی خامنه ای رئیس جمهور در ماههای گذشته بوده است. این طرح با دوسوم آرای نمایندگان مجلس به تصویب رسید.

سفر هیات پارلمانی فرانسه به ایران

روابط عمومی مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که یک هیات پارلمانی فرانسه متشکل از نمایندگان احزاب مخالف حزب حاکم فرانسه که از مدتی پیش برای ملاقات با مسئولین جمهوری اسلامی و بهبود مناسبات دو کشور، اظهار تمایل کرده بودند، به ایران مسافرت خواهند کرد. در این اطلاعیه آمده است که کمیسیون روابط خارجی مجلس با آنکه از این هیات دعوتی بعمل نیآورده است ولی با انجام این مسافرت مخالفتی ندارد. این در حالی است که روزنامه لیبراسیون چاپ فرانسه در تاریخ ۲۹ نوامبر

اعلام کرده بود هیات مزبور بنا به دعوت رفسنجانی به ایران اعزام خواهند شد. موضوع مذاکره طرفین، بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور و از جمله مذاکره بر سر مسئله "ارودیف" و دعوی یک میلیارد دلاری ایران از فرانسه خواهد بود. این روزنامه نوشت که هیات پارلمانی فرانسه متشکل از دو سناتور و دو نماینده مجلس این کشور می باشد و ریاست آنرا "ژان ماری دایه" برعهده دارد. اعضای این هیات از مسئولین دو حزب دست راستی فرانسه یعنی حزب ژبسکار دستن و ژاک شیراک می باشند.

عملیات گسترده نظامی

ژاندارمری در بلوچستان

کمی پس از اعلام خبر کشته شدن ۱۶ نفر ژاندارم در ماه گذشته در بلوچستان، سهرابی فرمانده ژاندارمری کل کشور در مصاحبه ادعا کرد که دو گروه از قاچاقچیان بین المللی در نواحی جنوب شرقی کشور سرکوب شده اند. او افزود که دههاتن از قاچاقچیان کشته شده و ۹۰ تن به اسارت درآمده و مقدار زیادی سلاح و خودرو از آنان ضبط گردیده است.

لازم به یادآوری است که در گذشته یکرات نثرات ارگانهای سرکوب، با یورش به محل سکونت عشایر بلوچ و روستاهای این منطقه، پس از قتل و ضرب و شتم اهالی، اقدام به دستگیری دستجمعی آنان می کردند و پس از انتساب اتهام قاچاقچیکری، آنان را به زندان افکنده و برای خود دست به تبلیغات می زدند. یکی از موارد آن در سال گذشته پس از قتل چند پاسدار کمیته صورت گرفته بود که طی آن پاسداران حتی با هلی کوپتر و از آسمان، دهقانان زحمتکش روستاها را به گلوله بستند. در آن عملیات عده ای زیادی از دهقانان به قتل رسیدند.

سهرابی در همین مصاحبه به فعالیت "گشت جند الله" پرداخت و گفت: "با همکاری ۲۲۱ تیم گشت جند الله، در هشت ماه اول سال جاری ۷۲۰ کیلوگرم تریاک، ۹۴۷ کیلوگرم هروئین و ۵۸۴ کیلوگرم حبش کشف شده که ۲۹۰۷ نفر در این رابطه بازداشت شده اند." بنا به نظر کارشناسان این حجم مواد مخدر مشکوفه، ملاکی برای محاسبه نسبی حجم انبوه مواد مخدری است که در سطح کشور توزیع و توسط معتادان مصرف می شود.

اخبار کوتاه

* اداره وظیفه عمومی برای تامین نیازهای انسانی جبهه و یافتن شمولین فراری، به کارفرمایان و صاحبان کلیه کارگاهها و موسسات خصوصی و کسبه اخطار کرد که ظرف یک هفته به اشتغال شمولین غایب از خدمت خاتمه داده و آنها را به این اداره معرفی کنند. اداره وظیفه عمومی اعلام کرد که کلیه اماکن بوسیله اداره عمومی بازرسی خواهد شد و اگر چنانچه کارفرمایی برخلاف اخطاریه فوق عمل کرده باشد، علاوه بر مجازات های معمول، کارگاه و موسسه اش نیز تعطیل خواهد شد.

* شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور خامنه ای تشکیل جلسه داد. موضوع جلسه بررسی وضعیت دانشجویمان تعلیقی بود که بنا به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی "برای دانشگاههای کشور مشکلاتی ایجاد کرده اند"؛ بر اساس تصمیم این جلسه وزارت اطلاعات مکلف شد تا نسبت به این دانشجویان تحقیق نماید.

* نخست وزیر در ملاقات با اعضای هیات رئیس اتاق بازرگانی اظهار داشت که: "اتاق بازرگانی باید بشکلی عمل کند که مورد اعتماد دولت قرار گیرد."

* تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه در ماه آینده به تهران سفر خواهد کرد. روابط اقتصادی و مبادلات تجاری سال آتی از جمله موارد مورد مذاکره، در این سفر است. لازم به تذکر است که این دومین سفر اوزال به تهران می باشد. سفر گذشته وی دستاوردهای عظیمی برای ژنرالهای حاکم بر ترکیه به همراه داشت.

* نخست وزیر سوریه طی مسافرت خود به تهران با رئیس جمهور، رئیس مجلس و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی دیدار کرد.

* دو درمانگاه دیگر از سوی وزارت بهداشت و درمان به بهانه پائین بودن سطح خدمات پزشکی، تعطیل شدند.

* ولایتی وزیر امور خارجه روزشنبه ۱۶ آذرماه عازم ریاض شد.

از میان نامه ها

از رنجی که می کشیم

از نامه یک کارگر:

"کارگران زندگی خود را به سختی می گذرانند. به علت گرانی سرسام آور، حقوق کارگران کفاف زندگی آنها را نمی دهد. آنها قادر به ادامه زندگی خود نیستند. مرتب اضافه کاری در قسمت هایی از کارخانه ها که جا برای اضافه کاری هست، کارگران روزی دو شیفت

(یعنی ۱۶ ساعت) کار می کنند. اگر ممکن بود بعضی ها به سه شیفت کارم به دلیل بدبختی هایشان راضی می شدند. مخصوصاً کسانی که بچه زیاد دارند، حقوقشان ناچیز است و باید کرایه خانه هفتگتی بپردازند. کارگرانی که امکان اضافه کاری ندارند، برای تامین کسری درآمد خود ناچارند کارهایی مثل دستفروشی انجام دهند. آنهايي که کار دیگری برایشان وجود ندارد از قوت لایموت خودم مجبورند بزنند.

کرایه یک سرپناه و پرداختن اجاره آن واقعاً برای همه مساله است.

اکثر کارگران بیشتر از نصف حقوقشان را بابت کرایه منزل می پردازند. آنهايي که تازه ازدواج کرده اند و یا یک بچه دارند، اکثراً اتاقي را در جنوب شهر اجاره می کنند که بابت آن بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان پول پیش می پردازند و حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان کرایه می دهند. خیلی از آنهايي که بچه زیاد دارند واقعا نمی توانند یک سرپناه پیدا کنند. کارگران زیادی را می شناسم که زن و بچه شان را به ده زادگاهشان فرستاده اند و هر چند ماه یکبار به آنها سر می زنند.

فقر و فلاکت امسال در نحوه

ببخورد کارگران با تعطیلات تابستانی هم اثر گذاشت شروع تعطیلات تابستانی کارخانه نمی توانست کارگران را خوشحال کند. وقتی کارخانه تعطیل باشد اضافه کاری هم نیست و این مساله ساز است. کارگران می گفتند: در خانه که باشیم خرجمان زیادتر می شود. ما که اهل مسافرت رفتن نیستیم. پیش زن و فرزند شرمنده می شویم. وقتی کارخانه دایر است به آنها می گوئیم می رویم سرکار، آنها هم اعتراض و توفعی ندارند. اما وقتی در خانه نشسته ایم، بالاخره آنها را باید یک جایی ببریم. اما بادست خالی چه کنیم...؟"

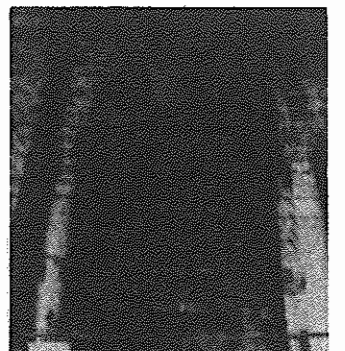
درد دارالفنون را ببستند فقه‌با‌لاخره کینه‌شان را خالی کردند

فقه‌ها همواره با بعضی فراوان به دارالفنون می‌نگریسته‌اند. زمانی که امیرکبیر دارالفنون را تاسیس کرد، بقول میرزا صالح شیرازی "سلسله علیه مللما"، سخت بر آشفته شدند و در نژد ناصرالدین شاه قاجار به سختی به سعایت او پرداخته و در زمینه چینی قتل‌وی موثر بودند.

کاری که امیر کبیر آغاز کرد، بنا بر یک ضرورت تاریخی ادامه یافت و داد و هوای آخوندها برای جلوگیری از گشایش مدارس جدید، راه به جایی نبرد. می‌گویند در تبریز وقتی که اولین مدرسه به تقلید از دارالفنون افتتاح گردید، آخوندی بر بالای منبر رفت و به مردم گفت: ایها الناس، دین از دست رفت! می‌دانید که در این مدارس، چه به فرزندانشان می‌آموزند؟ می‌دانید درس "سولفات دوپتاس" و "سولفات دوسود" یعنی چه؟ سولفات دوپتاس یعنی خدا دو تاست و سولفات دوسود یعنی خدا اصلا نبود! چنین بود موضع و فریبکاریهای آخوندها در برابر دارالفنون و دیگر مدارس نوع جدید.

خود خمینی در این مورد چنین می‌گوید: "ابتدا مدرسه‌ای در جایی تاسیس کردند (منظورش دارالفنون است) و ما چیزی نگفتیم و غفلت کردیم، امثال ما هم غفلت کردند که جلوی آنها بگیرند و نگذارند اصلا تاسیس شود، کم کم زیاد شد و حالا ملاحظه می‌فرمایید که مبلغین آنها به تمام دهات و قصبات رفته‌اند و بچه‌های ما را نصرانی و بی‌دین می‌کنند" (کتاب ولایت فقیه، ص ۱)

با این توصیفات بستن در دارالفنون به دلیل کینه سالیان دراز نباید تعجبی برانگیزد. کیهان ۱۴ آبان خبر می‌دهد که معلمان و کارمندان و مستخدمان سابق دارالفنون در روز (۲ شهریور ماه امسال) در دارالفنون گرد آمده‌اند تا مجلس ختم آن را برگزار کنند.



دوروی سکه ضد انقلاب

بعد از مقاومت از طرف هموطن عزیزمان، نماینده مذکور او را با چاقو از ناحیه شکم مضروب نموده و موجب رسوایی برای سایر میهن دوستان مشروطه خواه گردیده است.

اقدام به فروش سیکار قاچاق در دانمارک توسط یکی دیگر از نمایندگان.

البته هیچ کس تصور نخواهد کرد که این یکی آدم باشرقی بوده است که از کثافتخانه شورای سلطنت پایش را بیرون کشیده. او خود موضوع را کاملا روشن ساخته است. از بخش پایانی استعفا نامه وی بر می‌آید که شورای مشروطیت دانمارک به او "بودجه" نداده و حتی از دادن یک دوربین عکاسی و هزار دلار برای فعالیتهای سلطنت طلبانه به وی خودداری ورزیده است. او هم تصمیم گرفته است نگذارد دلارها را بقیه -حریفان بالا بکشند و از همینرو پته آتان را روی آب ریخته است.

بانداهای درونی "شورای سلطنت طلب‌ها" نظر بیاندازیم. ما از این خود افشاگریها متن استعفا نامه یکی از اعضای شورای مشروطیت دانمارک به نام "ستروانیا روم خلیان شاهپور شامرخنی صدر" را برگزیده ایم که به صورت اعلامیه‌ای در دانمارک پخش شده است.

این جناب شاهپور خان این مسائل را از جمله دلایل استعفا خود بر سرده است:

"چاقو کشی و فحاشی توسط یکی از نمایندگان در جلسه شورا.

برخورد خشونت آمیز از طرف دو تن از نمایندگان شورا که منجر به مضروب شدن یک ایرانی پناهنده در دانمارک که منجر به دخالت پلیس گردید.

عدم صلاحیت اخلاقی یکی از نمایندگان که در منزل خود قصد تجاوز به هموطن پناهنده اش را نموده است و

مجلس شورای اسلامی در دنیا بیش از هر چیز به شورای مشروطیت شباهت دارد. اگر در آن مجلس دسته کشی است، در این یکی نیز هست. اگر در آنجا یک مشت بی‌شعور و سفیه لانه کرده‌اند، این یکی نیز مامن سفیهان است. اگر در آنجا گاه و بیگاه پته یکدیگر را روی آب می‌اندازند، در این یکی نیز خود افشاگری رواج وسیعی دارد و همه این مشابهتها بخاطر آن است که هر دو در برابر خلق قرار دارند و دوروی سکه ضد انقلاب، که یکی طرف بالاست و دیگری پائین است را تشکیل می‌دهند.

مجلس شورای اسلامی را همگان می‌شناسند. اما شورای مشروطیت شاید به دلیل تازه بودن خود به طور مشخص معرفی همه نباشد. برای این که این جریان مسخره را بشناسیم، نیاز زیادی به ارائه سند و مدرک نداریم. کافی است تنها به یکی از خود افشاگریهای

از آن پسات گهمن تاریخی

حکایتی چند از رساله دلگشای عبیدزاکانی

شخصی با دوستی گفت: "مرا چشم درد می‌کند. تدبیر چه باشد؟" گفت: "مرا پارسال دندان درد می‌کرد، برکندم!"

ملغیلی را پرسیدند: "اشتها داری؟" گفت: "من بیچاره در جهان همین متاع را دارم."

در خانه حجی بدو دیدند. او برهت و در مسجدی بر کند و به خانه می‌برد. گفتند: "چرا در مسجد بر کفده‌ای؟" گفت: "در خانه مرا دزدیده‌اند و خداوند این دود را می‌شناسد. دود را به من سپارد و در خانه خود پاتوستاندا!"

واعظی بر منبر سخن می‌گفت. شخصی از مجلسیان گریه سخت می‌کرد. واعظ گفت: "ای مجلسیان! صدق او این مرد بی‌مؤید که این همه گریه به سو می‌کند. مرد برجاست، گفت: "مولانا! من نمی‌دانم که تو چه می‌گویی. اما من بزکی سرخ داشتم. ریشش به ریش تو می‌ماند. در این دو روز مرد. هر گاه که تو ریش می‌چقبنانی، مرا از آن بویک پیاد می‌آید و گریه بر من غالب می‌شود."

نیست. اگر سهری باشد در بستو باشد.

شخصی خانه به کرایه گرفته بود. چوبهای سقفش بسیار صدا می‌کرد. به خداوند (صاحب خانه) از بهر مرمت آن سخن بگشاد. پاسخ داد که: "چوبهای سقف ذکر خداوند می‌کنند." گفت: "نیک است. اما می‌ترسم این فکر مشفر به سجود شود."

دهقانی در اصفهان به در خانه بها'الدین صاحب دیوان رفت. با خواجه سرا گفت که: "باخواجه بگوی که خدا بیرون نشسته است با توکاری دارد." با خواجه بگفت، به احضار او اشارت کرد. چون در آمد پرسید که: "تو خدایی؟" گفت: "آری." گفت: "چگونه؟" گفت: "حال آنکه من پیش، ده خدای و پانچ خدای و خانه خدا بودم. ثواب توده و باغ و خانه او من به ظلم بستند. خدا ما خدا!"

شخصی را در پانزدهم رمضان بگرفتند که تو روژه بخورده‌ای. گفت: "او رمضان چند روژ گذشته است؟ گفتند: "پانزده روژ." گفت: "چند روژ مانده است؟" گفتند: "پانزده روژ." گفت: "من مسکین او این میانه چه خورده باشم؟"

دزدی در شب خانه فقیری می‌جست. فقیر از خواب بیدار شد، گفت: "ای مردک! آنچه تو در تاریکی می‌جویی، مادر روز روشن می‌جوییم و نمی‌یابیم."

قزوینی با کمان بی تیر به جنگ می‌رفت که "تیر او جانش دشمن آید بردارم." گفتند: "شاید نیاید." گفت: "آن وقت جنگ نباشد!"

سلطان محمود در زمستانی سخت به طلاحک گفت: "با این جامه یک لا در این سرما چه می‌کنی؟ که من با این همه جامه می‌لرزم." گفت: "ای پادشاه! تو نیز مانع من کن تا نلرزم." گفت: "مگر تو چه کرده‌ای؟" گفت: "هر چه جامه داشته‌ام، همه را در بر کرده‌ام."

ترکمانی با یکی دعوا داشت. بستویی پر کج کرد و پاره‌ای روغن بر سر بگداخت و او بهر قاضی رشوت برد. قاضی بستند و طرف ترکمان گرفت و قضیه چنان که خاطر او می‌خواست آخر کرد و مکتوبی مسجل به ترکمان داد. بعد از هفته‌ای قضیه روغن معلوم کرد. ترکمان را بخواست که در آن مکتوب، سهوی هست. بیار تا اصلاح کنم. ترکمان گفت: "در مکتوب من سهوی

لنین کجا چنین حرفی زده است؟

ترجمه مقاله ای از نیویورک تایمز، شماره هفتم اکتبر

روژ گذشته او پرویدنت ریگان سوال شد که آیا وی هنوز اتحاد شوروی را یک "امپراطوری شیطانی" می داند؟ وی که با مفسر شبکه سراسری تلویزیونی ای.بی.سی، صحبت می کرد پاسخ داد "بله و بخاطر مسائلی چون حمله به هواپیمای کره جنوبی در آسمان شوروی" او اضافه کرد: بعلاوه رهبران شوروی همواره اهداف جهانی خود را تصریح کرده اند، من اغلب این نقل قول لنین را یادآور شده ام که "ما اروپای شرقی را خواهیم گرفت، ما مردم آسیا را سازمان خواهیم داد و بعد بسوی آمریکای لاتین حرکت خواهیم کرد و لازم نخواهد بود که ایالات متحده را به تصرف در آوریم. این کشور چون میوه ای رسیده در دستان ما سقوط خواهد کرد."

لنین کجا چنین حرفی زده است؟ بعد از سخنان ریگان در مباحثه ای تلویزیونی نقل قول "میوه ای رسیده" طرح گردید. در آنجا یک مقام شوروی، کثورکی آریاتف این عبارت را بعنوان یک اختراع نازی ها محکوم کرد و گفت این حقیقت از سوی آقای آلینترکوک که مفسر خبری ست، افشاشده است. آقای کوک که اتفاقاً در این بحث حضور داشت بگونه ای تأیید آمیز لبخند زد. اما پس از اینکه از آقای کوک شرح جزئیات امر خواسته شد،

پاسخ دادوی نمی تواند بخاطر بیاورد که در جایی راجع به این امر اظهار نظر کرده باشد. البته او این فرضیه را پیش کشید که: "شاید این عبارت از سناریوی یک فیلم قدیمی سینمایی به یاد آقای ریگان مانده باشد." در این زمینه دفتر مطبوعاتی کاخ سفید سعی کرد کمک کند ولی نتوانست ماخذ این عبارت را در جایی بیابد.

در کتابخانه کنگره، محققین پرورنده ای قدیمی پیدا کردند که چغدین سال پیش در جستجوی منبع اصلی این نقل قول تشکیل شده بود. ولی برخلاف آنچه که گفته شده بود، به در مجموع آثار لنین، جلد ۱۰، صفحه ۱۷۲ و نه در هیچ چاپ روسی یا انگلیسی این مجموعه، چنین عبارتی یافته نشده بود. اما در این پرونده بریده ای از روژنامه شیکاگو دیلی نیوز به تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۵۸ موجود بود که توضیح می داد این نقل قول تقلبی است. ولی مسئله ریشه یابی نشده بود.

در همین زمان، در کتاب جدید همکار ما جوژف لیلی والد راجع به آفریقای جنوبی اشاره غیر مستقیمی به ایده مزبور شد. او نوشت که شنیده است همین مضمون از طرف ژنرال های دست راستی در پرتوریا (آفریقای جنوبی) به لنین نسبت داده شده است. وی نوشت که بنظر می آید آنها

این مطلب را از کتابی بنام "هیچکس جرئت ندارد آنرا توطئه بنامد" منتشره در روزمور کالیفرنیا در سال ۱۹۷۱ برداشته باشند و اعضای "انجمن جان برش" این کتاب را حریر صانه می خوانند. با توجه به این موضوع، بالاخره آنچه که منبع پرویدنت ریگان است پیدا شد: "نشریه اطلاعاتی دولتی در مورد انجمن جان برش" جمع آوری در سال ۱۹۵۸ از طرف رابرت ولش. در صفحه ۱۰ این نشریه چنین نوشته شده است: "لنین در سال ۱۹۲۸ مرد، ولی قبل از اینکه بمیرد برای پیروانش استراتژی این تسخیر را طرح ریزی کرد. باید اعتراف کرد که این طرح فوق العاده آینده منگر، واقعی و بطور اعتجاب آوری ساده است. این طرح بدین صورت تفسیر و نقل به معنی شده است: "اول اروپای شرقی را تأثیر نفوذ خود می گیریم، بعد توده های آسیا را سپس آخرین سترک کاپیتالیسم یعنی ایالات متحده آمریکا را محاصره خواهیم کرد. لازم نخواهد بود حمله کنیم، این کشور چون میوه ای رسیده در دستان ما سقوط خواهد کرد"

خوب! این آن چیزی است که دنبالش می گشتیم! یک "تفسیر" جان برشی که در هیچ جا ثبت نشده اغلب از طرف رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بعنوان یک نقل قول رسمی و واقعی پیش کشیده می شود.

بیاب سوته دلان گردهم آئیم

که قدر سوته دل، دل سوته دونه

شاید اگر آقای "آدولفو کارلو"، رهبر گروه ضد انقلابی "اف-د-ان" نیکارا گوه متشکل از اعضای سابق گارد ملی سوموزا - هم مثل "حبیب الله خان" رئیس "جامعه افغانی آمریکا" فارسی می دانست، با هم موقع گرفتن عکس زیر، بیت فوق را می خواندند.

کارلو (ست چپ در عکس) و حبیب الله خان در کنفرانس سالانه "اتحادیه جهانی ضد کمونیستی" در لاس و گاس آمریکا با هم آشنا شدند و پیوند اخوت بستند. به راستی که درد و محنت، انسانها را به هم نزدیک می کند. یکی غم ملک و املکش در افغانستان رنجش می دهد، دیگر غبطه دوران شیرین سوموزا را می خورد که چه پر برکت بود و چه باصفا! پس اگر بازگشت به گذشته طلبی امکان ناپذیر است، بگذار تا هر از چندی جمع شویم، مرثیه ای بخوانیم، و خوب، اگر چند دلاری هم از ارباب رسید، فبها!

اما این آقایان، تنها برای حسرت خوردن و عکس گرفتن گردهم نمی آیند. در کنفرانس مزبور، که به ابتکار مجله قاتلان حرفه ای بنام "سولجر آف فورچن" برگزار شد، قرار همکاری بیشتر در قتل و جنایت هم گذاشته شد. کنفرانس، محل ملاقات سران مزدوران با افراد "خبر" آمریکایی بود. علاوه بر بودجه رسمی سیاه، مبالغی از مخارج هنگفت آدمکشی و خرابکاری، از کیسه این افراد "خبر" تأمین می شود.



هزینه چاپ این شماره "اکتوب" را

ر- صوفی از سوئد

تأمین کرد

کتابهای مالی رسیده

رفیعی از لیون - فرانسه ۱۰۵ فرانک
"م" از نانت - فرانسه ۱۰۰ فرانک
للیف از افغانستان ۴۰۰ افغانی

عشق عمومی

احمد شاملو

اشک رازی ست
لبخند رازی ست
عشق رازی ست

اشک آن شب لبخند عشقم بود

قصه نیستم که بگوئی
نغمه نیستم که بخوانی
صدا نیستم که بشنوی
یا چیزی چنان که ببینی
یا چیزی چنان که بدانی...

من درد مشترکم
مرا فریاد کن.

درخت با جنگل سخن می گوید
علف با صحرا
ستاره با کیهانشان
ومن با تو سخن می گویم

نامت را به من بگو
دستت را به من بده
حرفت را به من بگو
قلب را به من بده،

من ریشه های ترا دریافته ام
با لبانت برای همه لبها سخن گفته ام
و دست هایت با دستان من آشناست.

در خلوت روشن با تو گریستم
برای خاطر زندگان،
و در گورستان تاریک با تو خوانده ام
زیباترین سرودها را

زیرا که مردگان این سال
عاشق ترین زندگان بوده اند.

دست را به من بده
دست های تو بامن آشناست
ای دریافته! با تو سخن می گویم
بسان ابر که با توفان
بسان علف که با صحرا
بسان باران که با دریا
بسان پرنده که با بهار
بسان درخت که با جنگل سخن می گوید

زیرا که من
ریشه های ترا دریافته ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست.

گفتگوی "اکثریت" با یولیان سیمیانوف خالق "لحظات هفده گانه بهاران"

شما خود در ایران تجربه گردید که آگاهی توده‌ها چه نقش مهمی در رشد و تعقیب انقلاب و درست‌گیری درست آن دارد.

امروز در ایران مردم با یک حکومت قرون وسطایی که حتی ابتدایی‌ترین حقوق تثبیت شده مردم را نیز پایمال کرده و می‌کند، روبرو

انقلابی، راهنمای عمل بود و توده‌های وسیع مردم آگاهانه‌تر در این مبارزات شرکت کرده بودند، افق پیروزی روشن و روشن‌تر بود و من در تمام این مبارزات این گفته لنین را که می‌گفت: "قدرت در نتیجه دانش و مبارزه آگاهانه وسیع‌ترین توده‌ها حاصل می‌شود" به عینه مشاهده کردم.

چنگیز آیتماوف:

مردم ایران قطعاً پیروز خواهند شد

فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر فدائیان که همراه با وی نبرداران شده‌اند، به شدت محکوم می‌کنم. من همچنین خواهان لغو حکم اعدام انوشیروان لطفی عضو رهبری سازمان شما و سایر زندانیان سیاسی در ایران می‌باشم. مسلماً این اعمال شما را از مبارزه برای دست یافتن به اهداف عالی انسانی تان باز نمی‌دارد. بایستی با هر شیوه ممکن مبارزه را پیش برد.

من برای نویسندگان و هنرمندان دربند ایران و خانواده‌های آنان آرزوی استواری و سرفرازی دارم. من اطمینان دارم که مردم ایران در مبارزه و تلاش خود برای نپل به یک جامعه آزاد انسانی، قطعاً پیروز خواهند شد. من برای مردم شما از صمیم قلب آرزوی موفقیت و پیروزی دارم. این عکس امضا شده مرا به عنوان یادگار بپذیرید. این عکس و نیز امضای من در زیر این ورقه، اعتراض نسبت به اعدام انقلابیون در ایران و در حکم تاکید من بر محکومیت رژیم جمهوری اسلامی است."

در شماره ۸۲ نشریه "اکثریت" مصاحبه‌ای داشتیم با چنگیز آیتماوف، نویسنده شهر شوری و رئیس اتحادیه سراسری نویسندگان این کشور، در آن مصاحبه، این نویسنده سرشناس بر میبستگی خود با نویسندگان و هنرمندان ایران تاکید نمود. رفقای خبرنگار نشریه ما در انگلستان، در طی سفر اخیر چنگیز آیتماوف به این کشور گفتگوی تازه‌ای با ایشان انجام داده‌اند. چنگیز آیتماوف در این گفتگو در رابطه با ترور و اختناق موجود در ایران و خاصه در ارتباط با موج اعدام‌های اخیر در جمهوری اسلامی، چنین اظهار داشت:

"ما در راه آرمانهای عالی انسانی، زندگی و مبارزه می‌کنیم ما برای شادی و بهروزی جامعه انسانی کوشش می‌کنیم و در این راه یک لحظه باز نمی‌ایستیم. من بعنوان یک دوستدار آزادی و انسانیت، رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام پیش ازینجاه‌تن از مبارزین ایران در همین اواخر، خاصه اعدام رضی‌الدین تائبان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان

بقیه از صفحه ۱
صحبت را با لحظات هفده گانه بهاران آغاز می‌کنیم، کتابی که بین جوانان ایران از محبوبیت زیادی برخوردار است. سیمیانوف می‌گوید برای من بسیار مایه خوشحالیست که می‌شنوم کتاب من در بین خوانندگان ایرانی با استقبال مواجه شده است. همیشه آرزو داشتم روزی به عنوان یک شهروند شوروی، به عنوان نویسنده و روزنامه نگار به کشور زیبای شما سفر کنم. با وجودیکه کشور شما را ندیده‌ام، اما علقه‌های عاطفی با سرزمین و مردم ایران دارم؛ مردمی با تاریخ کهن، فرهنگی غنی و انباشته از مبارزه. من به پیروزی مردم ایران ایمان دارم. جریان انقلاب ایران را به عنوان یک روزنامه نگار، یک نویسنده، به دقت دنبال کرده‌ام، من معتقدم انقلابی که با آن وسعت عظیم توده‌ای در ایران به وقوع پیوست، نمی‌تواند اثرات عمیقی در زندگی و مبارزه مردم نداشته باشد. مردم رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون کردند و مسلم است که تن به اسارت یک رژیم واپسگرا نخواهند داد.

روی سخنم با جوانان ایرانی است البته می‌ترسم چیزی بگویم که حمل به خودستایی شود. لذا حرف‌های لنین را که در سالهای ۲۰ برای جوانان کسومول گفت تکرار می‌کنم. لنین برای جوانان کلمات کرم و آتشین نداشت، او فقط گفت: "باید بیاموزید، بیاموزید و باز هم بیاموزید!" من از نزدیک با جوانان ایران آشنایی ندارم، اما شور انقلابی آنها را در جریان انقلاب بر صفحه جراید خواندم و از تلویزیون مشاهده کردم. این شور، این قهرمانی باید که با سلاح دانش انقلابی تکمیل شود. جوانان باید بیاموزند و با آگاهی در جهت استقلال، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه کنند. من به اکثر کشورهای جهان مسافرت کرده‌ام؛ به موزامبیک، آنکولا، افغانستان و منقیانه به پاراگوئه. در سالهای ۶۷-۱۹۶۸ هنگام جنگ آزادیبخش ویتنام خبرنگار بودم. زمانی را با مبارزان مبین پرست لائوس بسر بردم. با چه‌گوارا شاعر و انقلابی بزرگ بولیوی، با ویکتور خارا شاعر نامدار شیلی، با پیکاسو، با هوشی‌مین رهبر بزرگ مردم ویتنام بارها و بارها ملاقات کرده‌ام. من در تمام این نقاط جهان نیروهای خیر و شر را در مبارزه با هم دیدم؛ نیروهای ارتجاعی امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا و نیروهای صلح و سوسیالیسم. در تمام این مبارزات هر کجا که تئوری روشن

هستند. در قرن بیستم کودکان خردسال را چادر سر می‌کنند و افراد را به خاطر ترقی خواهی و یا داشتن عقاید خلاف مذهب اعدام می‌کنند. من شنیده‌ام که تعداد زیادی از این قربانیان را جوانان و حتی کودکان تشکیل می‌دهند. شنیده‌ام که در ایران به بدترین نوع به زنان ستم می‌کنند و دختران جوان را در زندانها مورد تجاوز قرار می‌دهند. این اعمال جمهوری اسلامی تمام بشریت ترقیخواه را به اعتراض واداشته است. ناچاجی که من می‌بینم و می‌شنوم سازمانهای انقلابی و مترقی تحت تعقیب قرار دارند و اکثر نویسندگان پیشرو و هنرمندان صاحب نام ایران بیاد زندانها بسر می‌برند و یا مجبور به ترک وطن و مهاجرت شده‌اند. من از این بابت اندوه گینم و تلاش می‌کنم که در این مورد با تمام انرژی در جهت نشان دادن این فجایع و جلب حمایت هنرمندان و نویسندگان جهان برای محکوم کردن اعمال جمهوری اسلامی حرکت کنم. امروز از طریق قلم نویسندگان نیز، جهان باید متوجه این همه جنایات گردد. این وظیفه ماست؛ چرا که پیام یک نویسنده و اقی امروز چیزی جز آزادی، صلح و سعادت بشر نیست.

قهرمان داستان من در لحظات هفده گانه بهاران، که نام اصلی او "ماکسیم ایسانوف" و عضو سازمان اطلاعات شوروی است و با نام مستعار "اشترلیتس" در سازمان اطلاعاتی رایش سوم کار می‌کرد، آشنایی است انباشته از عاطفه و عشق به انسان و سعادت او. او به این خاطر در بدترین شرایط فاشیستی یک لحظه از کار نمی‌ایستد. من در باز آفریدن او به آن چیزهایی پرداخته‌ام که بنظر من نشانه عالی اصالت و شرف انسانی است. جنبه‌های عاطفی و دوست داشتنی یک انسان را به خوانندگان به‌خصوص جوانان نشان داده‌ام. آگاهی، عشق، احساسات ظریف و عالی انسانی، کار توان فرسا، مبرا از خیانت و نیرنگ، این کوه و جانمایه شخصیت داستان من است. او در خط مقدم جبهه علیه نیروهای شرمی‌چنگد. او سمبول انسان انقلابی و نوینی است که در مکتب انقلاب بزرگ اکتبر و سوسیالیسم پرورش یافته است. واضح است که این قهرمانها مختص کشور من نیستند. اینها مربوط به تاریخ بشری و تمام جوامع انسانی هستند. من خوب می‌دانم که در ایران توده‌های مردم و انقلابیون چه مبارزاتی را انجام داده‌اند، چه قهرمانیها که از خود نشان داده‌اند و این قهرمانیها چگونه



Handwritten signatures and notes in Persian script, including the name "Changiz Aytamov" and other illegible signatures.

تصویری از سیستان ستم دیده

با تعبیه تعدادی سیل بند محکم می‌شد جلوی خطر را گرفت اما اداره آبیاری زابل از انجام اینکار دریغ کرد و آب آنقدر در پشت سیل بندهای موجود جمع شد که فروریختند.

از مصیبت سیل کمر راست نکرده، قحطی و خشکسالی از راه رسید. امسال دریاچه هامون و نیزار خشک شده‌اند که هیچ، باران نیز نباریده است. هونکا همه خشکیده و کشتزارها از بی‌آبی سوخته‌اند. بخاطر نبود آب و علف، دام‌ها صدتا، صدتا تلف شده و دامداران باز به حراج احشام خود دست زده‌اند. به چه قیمتی، مهم نیست. باید قبل از هلاک شدن فروخت.



کودکان سیستانی در جستجوی آب، بر گرد چاه‌هایی که خشک می‌شود

تاها راه چاره‌ای برای کنترل آب ونابین آب کشاورزی بیابند. اما چه کردند! گفتند حفرچاه نیمه عمیق و انشعاب آب از سد سیستان به بخشهای چهارگانه سیستان علاج کار است. اجرای عملیات از همان سال به شرکت "نورکار" واگذار شد. بنا بود که طرح تا سال ۵۴ به پایان برسد. امروز بعد از سیزده سال تنها یک کانال آنهم بطور نسبی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. سال ۵۸ طغیان رودخانه بار دیگر هستی دهقانان را نابود کرد. تنها

زندگی زحمتکش سیستانی به آب بسته است و آب به آمدن نیامد طبیعت. اگر روزگاردست دهدسالی پر حاصل و کم مشقت خواهد داشت. اما کی؟ این سوالی است که در چشمان کم رمقش موج میزند. تا کنون که هرچه دیده قحطی بوده و خشکسالی و با از آنسوظفیان بوده وسیل و خانه خرابی. قهر طبیعت با زندگی اش عجیب است و از آن خاطره‌های تلخی به دل دارد. هر سال یک واقعه، خشکسالی و قحطی ویاسیل وطفیان می‌روند. سالهای ۵۰ - ۴۹، هیرمند به یکباره خشک شد. مردم می‌گفتند کار، کار دولت است. زمین از بی‌آبی سوخت و احشام از تشنگی تلف شدند. هرکسی حیوان زنده‌ای داشت به چوب حراج بست. گاو و گوسفند از یک تا پنج تومان خرید و فروش شدند. راه چاره چه بود. روستایی و شهری سرگردان و آواره چشم به راه فرجی دوخته بودند که بیدار نمی‌شد. روستائیان دار و ندار خود را فروختند و راهی گرگان و ترکمن صحرا شدند تا درازای "قوت لایموت" بارنج خویش زمینهای شاپور غلامرضا پهلوی، هژبر یزدانی و اوباش و اشراری از این دست را آباد کنند. سال ۵۱ از طرف دولت آمدند تا

هنرمندان بزرگ شما را متاثر کرده و آثار بزرگی را پدید آورده است. من "اکثرت" و اعضای حزب توده ایران اطلاع دارم و می‌دانم که هم اکنون چگونه تحت سخت‌ترین شرایط، انقلابیون ایران مبارزه می‌کنند. این مبارزان بسیار شایسته احترامند. من سخن یکی از دانشمندان اروپا را به خاطر می‌آورم که می‌گفت: "تنها آن کسی شایستگی افتخار و آزادی را دارد که هر روز بخاطر آن رزمیده باشد."

از سیمینانوف پیرامون رسالت و پیام هنرمندان می‌پرسیم. می‌گویید: امروز هنر و ادبیات بشری باید متوجه امر صلح باشد. ادبیات یعنی چه؟ ادبیات یعنی صلح! ادبیات امروز کشور شما متوجه همین امر بزرگ انسانی است، امری که زندگی را حراست می‌کند. امروز باید تمام هنرمندان تلاش کنند که صلح الهام دهنده آنها باشد. ما بخاطر صلح و بیروزی بشریت از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم کرد. بهترین مثال من بر این مدعا، مبارزه عظیم ملت ما باماشین جنگی فاشیسم است. ما این ماشین جهنمی را با قدرت بیگران مردم درهم شکستیم. در این مبارزه هنرمندان و نویسندگان سهم عظیمی داشتند. امروز هم ما با تمام قلب و احساس خود به مردمی که بخاطر استقلال و آزادی و به خاطر صلح می‌رزمند، یاری می‌رسانیم. قلم ما در خدمت به بشریت ترقیخواه و مبارزه عادلانه خلق‌هاست. من تراژدی ایران را در قلب خود احساس می‌کنم. تراژدی ملتی بزرگ که دچار حاکمیتی پست و ارتجاعی شده است. آثار بزرگترین اندیشمندان و هنرمندان و یادگارهای چند هزار ساله آن دستخوش آماج‌های تنگ‌نظرانه می‌شود، و جنگی بی‌حاصل و خانمان سوز که من به شدت از آن متنفرم در آنجا جریان دارد، جنگی که سود آنرا امپریالیسم آمریکا می‌برد، جنگی که تا کنون صدها هزار انسان را با تمام آرزوهای خود بکام مرگ کشانده و میلیونها نفر را آواره و بی‌خانمان کرده است. جنگی که بر صلح جهانی لطمت جدی وارد می‌سازد و زمینه را برای ماجراجویی‌های بیشتر آمریکا فراهم می‌سازد. اما با تمام این مسائل و مشکلات من امیدوارم که یک روز در ایران آزاد و دموکراتیک از نژدیک با خوانندگان آثار خود آشنا شوم و از دیدن چهره‌های شاد و تبسم مردم خوشحال کردم. من برای ایران "بهاران" را آرزو می‌کنم. ما در بهار ایران یکدیگر را دوباره خواهیم دیده

تاسیس اتحادیه سندیکایی جدید در آفریقای جنوبی

خود را بر مبارزه طبقاتی زده است، فعال شدن کارگران آفریقای جنوبی است. در یکی دو سال اخیر، زحمتکشان آفریقائی بطور توده‌ای به سندیکاها می‌پیوندند. این روند به بهمن می‌ماند. برای نخستین بار در تاریخ آفریقای جنوبی، تعداد سیاهپوستان عضو سندیکا از شمار اعضای سفیدپوست سندیکاها بیشتر شده است. نکته برجسته آن است که این سندیکاها تنها به خواستهای اقتصادی اکتفا نمی‌کنند. آنها در یافته‌اند مبارزه علیه استثمار سرمایه‌داری در پیوند تنگاتنگ با اقدام علیه رژیم نژادپرست است. جنبش سندیکایی به عنوان نیرویی که در مبارزه برای رهایی ملی نقش بسیار مهمی دارد، اعتبار روز افزونی می‌یابد. نیروی طبقه کارگر و فعالیت آن در جنبش رهایی بخش، امکانات را برای یک اعتصاب سراسری و عمومی سیاسی که قادر است در لحظه مساعد صف‌بندی نیروها و تدارک قیام را تحت تاثیر معسوس قرار دهد، می‌کشد.

اتحادیه کارگری جدید آفریقای جنوبی بر اساس معیارهای غیر نژادی تشکیل شده و عضویت در آن برای کارگران همه نژادها آزاد است.

کارگری جدید اعلام کرده‌اند. استیودلامینی، رهبر "ساکتو" گفت تنها کارگران آفریقای جنوبی به اتفاق نیروهای ترقیخواه متعلق به همه نژادها قادرند کشور را از تبعیض نژادی، استثمار و ستم ملی رهایی بخشند.

کنگره ملی آفریقا از مدت‌پیش سعی خود را برای ایجاد اتحادیه فراگیر کارگری بکار گرفته بود. فرانسیس ملی سردبیر ارگان مرکزی کنگره ملی در مصاحبه با "اکثرت" (که در شماره ۸۲ درج شده بود) بنیان‌گذاری فریب‌الوقوع چنین اتحادیه‌ای را پیش‌بینی کرده و اظهار داشت: "کارگران سیاهپوست، اتحادیه‌های خود را تشکیل داده و در این فکر هستند که چگونه آنها را سراسری کرده و کنفدراسیون اتحادیه‌ها را ایجاد کنند."

حزب کمونیست و کنگره ملی آفریقای جنوبی برای جنبش سندیکایی این کشور اهمیت زیادی قائلند. جواسلوو، عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی و عضو هیئت اجرایی آن، سی.، اخیراً در مصاحبه‌ای گفت: "عامل مهمی که مهر

هفته گذشته، قریب به ۱۰۰ نماینده از ۲۷ سندیکایی کارگری آفریقای جنوبی با مجموع حدود ۵۰۰ هزار عضو، در شهر دوربان گردم آمده و قدراسیون سندیکایی جدید شد آپارتاید با نام "کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی" را بنیان گذاشتند. کریل رامافوسا، رهبر "نام"، سندیکایی کارگران معدن، به عنوان رئیس اتحادیه فراگیر کارگری نوبنیاد، برگزیده شد.

علاوه بر اتحادیه معدنچیان، مهمترین سندیکاهای کارگری آفریقای جنوبی مانند "فدراسیون سندیکاهای آفریقای جنوبی" و تعداد زیادی از سندیکاهای عضو ائتلاف ضد آپارتاید با نام "جبهه متحد دمکراتیک" در اتحادیه نوین کارگری متحد شده‌اند. در کنگره موسس اتحادیه، کریل رامافوسا رهبر منتخب کارگران خواهان برکناری رژیم بوئا شد. وی گفت دولت دیگر کشور را تحت کنترل نداشته و باید قدرت را به رهبران واقعی مردم تسلیم کند.

کنگره ملی آفریقا و اتحادیه سندیکایی غیرقانونی "ساکتو" پشتیبانی کامل خود را از اتحادیه

به مناسبت سالگرد نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان

روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴، خلق آذربایجان زندگی نوینی را فرا روی خود کشود. از این روز تا ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵، خلق و حکومت ملی آن، در زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - فرهنگی آذربایجان، آنچنان اقدامات دموکراتیکی انجام دادند که در تاریخ مبارزات رهایی بخش خلقهای ایران بی نظیر است. آذربایجان به مثابه دژ مطمئن استقلال و آزادی ایران نمی توانست از کینه حیوانی ارتجاع وطن فروش مرکزی و امپریالیستهای خون آشام مصون بماند. در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ ارتجاع با کمک بلاواسطه امپریالیستها به آذربایجان یورش خونینی آورد. نهضت ملی - دموکراتیک مردم آذربایجان سرکوب شد. ارتجاع سیل خون جاری ساخت، بطوریکه این وحشیگری لجام گسیخته نیز در تاریخ معاصر ایران بی نظیر است.

"صحنه سرخ" عنوان یک شعر آذری است که توسط ابوالفضل حسینی (حسرت) - شاعر دوره نهضت ملی - دموکراتیک - چند روز بعد از شکست نهضت سروده شده است. صحنه های این شعر نمونه ایست از هزاران صحنه های مشابه که بعد از شکست نهضت بر آذربایجان گذشته است. بر گردان آزاد این شعر را در زیر می خوانید.

صحنه سرخ

بازیر فراز تبریز بزرگ
آسمان
ردای سیاهی در بر کرده است.
فاجعه ای دیگر، زائیده
و بر همه جا گرد آندوه و ملال
پاشیده می شود.
تبریز به پاییز عیوسی می ماند
بعد از بهاری پر شوکت.
بر فراز کوهساران
مهی سیاه و سنگین، خمیده زده است.
ماه مه می گرییم: آسمان، من و زمین
باغها همه افسرده گشته اند
از هجوم زمستان سیاه.
دیگر نمی توان غنچه ای، نسترنی، سوسنی
در گلستان یافت.
آفتاب به عروس ناکامی می ماند
که کیسوی زرین، پنهان کرده باشد.
قامت سروها خمیده اند
همه جا باد شیون می کشد.
با چشمانی غمزه
می نگرم در قاب پنجره
تصویر مات "لاله" را در حاشیه شهر.
نگاهم گره می خورد به این دیوار غمزه
که بهارش می افسرد
در تاراج باد خزانگی
در قاب پنجره مردمان را می نگرم
گرد آمده اند
صداهایشان نزدیک است
قلبم می خواهد از آشیان سینه
پربکشاید

چیست راز این حادثه؟ چیست؟

سرم پر آشوب است
و کلویم آکنده از بغض
پابه کوچه می نهم

مرا همچون خود پاک پروریده است
اگر بر خاک افتم چه پاک؟

نه نوکر بیگانه ام
نه وطنم را به لیر و دلار، ارزانی داشته ام
و نه به مفتخوارگی تن سپرده ام.
من سرباز ساده سرزمین خودم
همچون هزاران سرباز دیگر
می دانم که سرزمین من هماره زنده خواهد ماند
و من هماره در آغوش می مانم
بگذار امروز بیکرم در خون غلتد
اما فردا خلق از خصم انتقامم را خواهد ستاند...

آتش! آتش!

دژخیمی نعره کشید
و خورشید غروب کرد
بر پیشانی بلند آسمان.

توفان خشم در می گیرد
سیلاب خلق
بی محابا از خون و آتش
روان می گردد.
بپیکر شهید بردوش خلق است
سرما به احترام فرود می آیند.

- این خونها دریا خواهد شد
فردا از بی امواج توفانی آن
خورشید را خواهی یافت
رخشنده در آسمان سعادت.
خون سرخ تو، سرخ گلی خواهد شد
بر خاک این دیوار.

قامت رشیدت
بر افراشته می گردد
به سان کوهی مغرور،
خاک تو
تورا از زیاد نخواهد برد
لاله زاری خواهد شد
وقتی دوباره بهاران باز آید...

توده غمزه ای را می بینم
ملول و مبہوت
بر از دحام مردم افزوده می شود
چشمان خلق گریان است
جلوتر می آیم.

افسر خلق را می بینم
با پیکری مجروح
نمی خندد
اما چهره اش مسرور است
به کوهی پر هیبت مانده است
با ستیغی مغرور
به شیری مانده است

در زنجیر،
جلادان در برابرش صف کشیده اند
با قلبهایی تیره.
به رنگ سنگ سیاه.
خلق در چنبره اندوهی سترگ است.

فرزند خلق چنین می گوید:
"باشمایانم من! گوش فرادارید
تا تقسم باقی است
نه باغی من، نه خان، نه زورگو
خون کسی را ریخته ام
سرزمین پاکم



کنگره دوم حزب کار آنگولا

دوشنبه دوم دسامبر، کنگره دوم میلا - حزب کار، آنگولا در لوآندا گشایش یافت. ۷۰۰ نماینده حاضر در کنگره، مسائل مربوط به مبارزه برای تحکیم قدرت خلقی و دفاع از دستاوردهای انقلاب را مورد بحث قرار دادند. در دستور کار کنگره، تزهایی در باره تقویت نقش رهبری حزب، برنامه و اساسنامه و سیستم مدیریت اقتصادی قرار داشت.

خوزه ادواردو دوس سانتوس، رهبر حزب کار آنگولا، در گزارش به کنگره، روند بفرنج طی شده از هنگام تاسیس جمهوری در سال ۱۹۷۵ را تحلیل کرد. وی با اشاره به تغییرات عمیقی که عوامل داخلی و خارجی، و به ویژه بر اثر تشدید تجاوز آفریقای جنوبی علیه آنگولا در کشور ایجاد شده است، گفت: باتوجه به موقعیت بسیار جدی سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور، کمیته مرکزی حزب در فوریه سال ۱۹۸۲، یازده برنامه فوری تصویب نمود. وی افزود برای تحقق این برنامه‌ها، فعالیت گسترده‌ای از سوی زحمتکشان آنگولا آغاز گردید، اما اهداف مورد نظر در مه عرصه‌ها هنوز تحقق نیافته است.

رهبر آنگولا از کمک اتحاد شوروی، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی به مبارزه خلق آنگولا برای حفظ استقلال کشور و دفاع از تمامیت ارضی آن، قدردانی نمود.

به دستور مارکوس

قاتلین آکینو تیرگه شدند

دادگامی که برای رسیدگی به ماجرای قتل بنینو آکینو، از رهبران ایوبیسون فیلیپین، تشکیل شده بود، علیرغم همه شواهد مدارک و علیرغم گزارش کمیسیون تحقیق درباره قتل آکینو، ژنرال "ور" فرمانده ارتش فیلیپین و ۲۵ متهم دیگر را که اکثر آنها از اسران عالی‌رتبه ارتش هستند، تبرئه کرد. به دستور مارکوس، دادگاه اعلام کرد بنینو آکینو در مراجعت از آمریکا قبل از پیاده شدن از هواپیما به دست یک غیر نظامی بنام کالمن به قتل رسیده است. این فرد بلافاصله پس از قتل آکینو هدف کلوله نظامیان قرار گرفته و کشته شد. در حکم دادگاه، این معاحل شده مانده است که چگونه کالمن توانسته است در حالیکه اندکی دورتر از هواپیما بوده، آکینو را هنگام پایین آمدن از پلکان هواپیما از پشت سر به کلوله بیند. شهادت گواهانی نیز که تأیید کردند نظامیان آکینو را هدف کلوله قرار داده اند، مورد توجه دادگاه قرار تکسرفت.

حکم فرمایشی دادگاه هنگامی صادر شد که مارکوس از قبل، اعلام کرده بود ژنرال "ور" مقام خود بعنوان رئیس ستاد ارتش را باز خواهد یافت. تبرئه متهمین به قتل آکینو، در سراسر فیلیپین تظاهرات و اعتراضات گسترده‌ای برانگیخت.

کنگره حزب کمونیست اسرائیل

چهارشنبه گذشته، بیستیمین کنگره حزب کمونیست اسرائیل در حیفا گشایش یافت. مه ایرویلینز، دبیر کل حزب گزارش کمیته مرکزی را قرائت کرد. در این گزارش آمده است تا هنگامی که دولت اسرائیل سرنوشت کشور را از لحاظ اقتصادی و

سیاسی به استراتژی عمومی امپریالیسم آمریکا وابسته نته می‌دارد، هیچگونه تحولی در جهت صلح و تحقن خواستهای توده‌های زحمتکش امکان پذیر نیست.

گزارش به کنگره می‌افزاید تا زمانی روابط دو خلق اسرائیل و فلسطین، روابط میان ظالم و مظلوم، روابط میان غاصبان و مبارزین علیه اشغالگری است، جامعه اسرائیل نیز با افزایش خشونت روبرو خواهد بود، نژاد پرستی گسترش خواهد یافت و خطر فاشیسم رشد خواهد کرد.

دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل برنامه‌ای برای یک صلح همه جانبه، عادلانه و پایدار ارائه نمود. رئیس این برنامه عبارت است از:

- عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از ۱۹۶۷، - احترام به حق خلق فلسطین بر تعیین سرنوشت خود،

- تشکیل دولت مستقل فلسطین در کرانه غربی رود اردن به انضمام بیت المقدس شرقی و نوار غزه - حل مسئله آوارگان عرب بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد.

- احترام به حق اسرائیل و کشورهای عربی، از جمله کشور فلسطین برای موجودیت مستقل و رشد تحت شرایط صلح و امنیت.

رهبر حزب کمونیست اسرائیل اظهار داشت بهترین راه تحقق این اهداف، تشکیل کنفرانس بین‌المللی خاور نزدیک به سرپرستی سازمان ملل متحد، بگونه‌ای است که اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای پیشنهاد کرده‌اند.

افغانستان از مذاکرات ژنو

استقبال می‌کند

ببرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در جلسه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب که برای بررسی نتایج اجلاس رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در ژنو تشکیل شده بود، خاطر نشان ساخت خلق افغانستان از نتایج حاصله میان اتحاد شوروی و آمریکا استقبال کرده و این توافقها را گامی مثبت و سازنده می‌داند. وی افزود حزب و دولت افغانستان بطور کامل از برخورد اصولی اتحاد شوروی به حل مسائل منطقه‌ای پشتیبانی می‌نماید. ببرک کارمل از اتحاد شوروی برای حمایت از تلاش افغانستان برای حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان قدردانی نمود. رهبر افغانستان اظهار داشت نتایج مشخص در مذاکرات جاری میان افغانستان و پاکستان به سالم سازی اوضاع منطقه و جهان یاری خواهد رساند.



هواپیمای سرنگون شده کره جنوبی،

برای سیاحت‌های می‌کرد

دو سال وادی پس از ماجرای سرنگونی هواپیمای بوئینگ شرکت هوایی کره جنوبی در قلمرو اتحاد شوروی، وکلای مدافع خانواده‌های خدمه مقتول این هواپیما در مصاحبه‌ای با یک خیرکزاری ژاپنی پرده از علت تجاوز هواپیما به حریم هوایی شوروی برداشتند. به گفته آنها، همسران خلبان و کمک خلبان بوئینگ ۷۴۷ تأیید کرده اند که سیاحت سازمان جاسوسی آمریکا، این دو را وادار به انجام یک پرواز جاسوسی بر فراز جزیره ساخالین نموده بود. سیاحت خلبان و کمک خلبان جیبوجت، وعده پرداخت مبلغ هنگفتی در صورت موفقیت در انجام این ماموریت داده بود. همچنین سیا و شرکت هواپیمایی کره جنوبی در این مورد قبلاً به توافق رسیده بودند.

در ژاپن، افشاکری وکلای مدافع آمریکایی قربانیان سانحه، بازتاب گسترده‌ای داشت و مطبوعات و رسانه‌های گروهی، از آن به عنوان مدرک انکارناپذیری مبنی بر مسئولیت دولت آمریکا در کشته شدن مسافرین و خدمه هواپیما نام بردند.

اخبار کوتاه

* سام نجوما رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) اعلام کرد علیرغم ترور و سرکوبی که دولت آفریقای جنوبی علیه مردم نامیبیا اعمال می‌کند، مبارزه آنها به رهبری سواپو بطور مسلحانه تا برگزاری انتخابات آزاد تحت نظارت بین‌المللی ادامه خواهد داشت. وی افزود تشکیل "دولت موقت" عروسی در نامیبیا ترفندی از سوی رژیم آپارتاید برای جلوگیری از استقلال واقعی این کشور است. نجوما گفت مذاکره با رژیم آفریقای جنوبی تنها زمانی امکان پذیر خواهد بود که این دولت قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت در باره استقلال نامیبیا و شناسایی سواپو به مثابه تنها نماینده قانونی مردم این کشور را بپذیرد.

* محمدخان جونجو، نخست‌وزیر پاکستان در جریان دیداری از چین با رهبران این کشور، از جمله زائو زیانگ رئیس شورای دولتی دیدار کرد. دو طرف "اشتراک نظر پیرامون پاره‌ای مسائل بین‌المللی" را مورد تأکید قرار دادند. چین از پاکستان به مناسبت "کمک" به پناهندگان افغانی "ستایش" نمود. چندی پیش دولت چین مبلغی معادل ۱۰۰ هزار دلار در اختیار اشراف افغانی گذاشت.

* مطبوعات ترکیه گزارش دادند شمار بیکاران در این کشور به چهار میلیون نفر رسیده و بیوسته روبه افزایش است. این تعداد علاوه بر میلیونها کارگر ترکی است که در جستجوی کار، ناکزیر به مهاجرت به کشورهای اروپائی شده‌اند. طبق این گزارشها، بیش از نیمی از بیکاران ترکیه کمتر از ۲۴ سال دارند. بیکاران ترکیه ۲۰ درصد جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند. آنها در فقر مطلق به سر برده و اغلب از هر گونه بیمه اجتماعی محرومند.

فرم بازجویی هفته به هفته

ساواک جمهوری اسلامی ، کسانی را که به دلایل مختلف از زندان آزاد می‌شوند ، مجبور می‌سازد هر هفته به مراکز مخپنی (مراکز سپاه ، دادستانی ، زندانها و...) رجوع کرده و یک فرم اطلاعاتی را ، که کلیشه آثرا مشاهده می‌کنید ، پر کنند . به این ترتیب آزاد شدگان ، هر هفته زیر بازجویی قرار می‌گیرند . توانان و

خانثان نیز از جمله از این طریق ، اطلاعات خود را در اختیار ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی می‌گذارند . جمهوری اسلامی با فشار مستمر بر آزاد شدگان که ترس به خیانت نداده اند ، می‌کوشد آنان را از طریق این بازجویی هفته به هفته کنترل کند و مرعوب سازد تا احياناً به صورت یک کاتال اطلاعاتی در آیند .

بسم الله تعالی

امتیازات فرزند که در تاریخ _____ خود را به ارتدادگاه فتنه‌مردی سومین شهید مجدم که به سئوال‌های پاسخ جامع و کامل از روی صداقت بهم :

اسماء _____

۱- در هفته گذشته چه غیرعادی مشاهده کردید ؟ (غیرعادی شهری و سیاسی) ؟

۲- شما به چه علتی که در هفته گذشته مشاهده کردید را دقیقاً نامی آنرا بیان کنید ؟

۳- هفته گذشته با کدامیک از افراد سایر (تربای ، تشکیلی - حزب الهی) برخورد داشته‌اید نوع و چگونگی و متوجه برخورد خودتان را بنویسید ؟

۴- در این هفته چه سئوالی (سیاسی - عقیدتی) برایتان به نظر آمد ، است بنویسید ؟

۵- نظر شما را در مورد فعالیت گروه‌ها یا سند انقلاب موجود در منطقه را بنویسید ؟

۶- بهترین و بدترین حرکت و تلاش شما در هفته گذشته چه بوده است توضیح دهید ؟

۷- بهترینها و اتفاقات نامرئمه در هفته گذشته و برای هفته آینده را بنویسید ؟

اسماء _____

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	شش ماهه	بهای اشتراك نشریه "کار":
مارك ۱۳	مارك ۱۱	<input type="checkbox"/>	
۲۴	۲۱	يك ساله	<input type="checkbox"/>
دیگر نقاط	اروپا	سه ماهه	بهای اشتراك نشریه "اکثريت":
مارك ۳۰	مارك ۲۷	<input type="checkbox"/>	
۵۸	۵۲	شش ماهه	<input type="checkbox"/>
۱۱۵	۱۰۲	يك ساله	<input type="checkbox"/>

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 86
MONDAY DEC 9 ,85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 0 29 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

این شهیدان که اند این همه خونین کفان

مهرماه ۱۳۴۴ در زندان اوین تهران تیرباران شد .

اعدام تن از مجاهدین خلق

نشریه مجاهد ، در پی انتشار اخباری پیرامون اعدام عده‌ای از مجاهدین ، در شماره ۲۶۹ خود ، نام چند تن دیگر از هواداران سازمان مجاهدین خلق را که در موج کشتارهای اخیر توسط رژیم خمینی به شهادت رسیده‌اند ، اعلام داشته است . این گروه از شهدای مجاهد عبارتند از: جواد ایزدی ، صادق طهماسبی ، صدیقه صادقیور ، بهرام باصری ، احمد بدایقی و محمد حقیقت کو .

نشریه مجاهد محل تیرباران این افراد را ، زندان کوه دشت ، زندان قزل حصار ، زندان اوین و زندان عادل آباد شیراز ، اعلام کرده است .

اعدام یک مبارز ارمنی

یکی از مبارزین ارمنی به نام "وارطان شیروانیان" اخیراً از سوی رژیم خمینی تیرباران شده است . وارطان در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۲ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و روز ۲۶ شهریور ۱۳۴۴ جسد وی را به یکی از کلیساهای تهران تحویل دادند . نشریه "آوریل" در شماره اخیر خود ، ضمن اعلام خبر فوق ، اطلاع داد که وارطان پیش از این یکبار در تابستان ۱۳۴۰ دستگیر گردیده بود . در آن نوبت ، ۱۱ ماه در زندانهای کمیته مشترک و اوین بسر برد و در بهار سال ۱۳۴۱ از زندان آزاد شده بود .

شهادت دونفر از مسئولین حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که دونفر از مسئولین این حزب در موج اعدامهای اخیر بدست جلادان خمینی تیرباران شده‌اند . بر اساس اطلاعیه مزبور کمال دباغی ، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات و طه حق‌طلب ، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب دمکرات در بین کتگروه‌های چهارم و پنجم حزب ، اخیراً در کرمانشاه و تهران اعدام شده‌اند .

در اطلاعیه مزبور می‌خوانیم که کمال دباغی از سال ۱۳۴۶ به عنوان هوادار حزب دمکرات در فعالیتهای سیاسی شرکت جست و در جریان انقلاب ، تلاشهای چشمگیری از خود نشان داد . وی در همان روزهای اول پس از انقلاب به حزب دمکرات پیوست و در شورای شهر مهاباد ، فعالیت نمود . کمال دباغی در اسفند ماه سال ۵۸ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید و مسئولیت سازماندهی کمیته‌های حزبی را در کرمانشاه و ایلام به عهده گرفت . کمال دباغی در اردیبهشت ۱۳۴۱ در کرمانشاه دستگیر شد و با آنکه به ۱۵ سال زندان محکومیت یافته بود ، از سوی مقامات جمهوری اسلامی اعدام گردید . طه حق‌طلب که بعد از انقلاب به مسئولیت مشاور کمیته مرکزی حزب دمکرات برگزیده شده بود ، در سال ۱۳۴۲ در تهران دستگیر شد و در ۱۵

محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

است . این ثمره پشتیبانی بشریت ترقیخواه از این افشاکریهاست که به همه آن قطعنامه‌ها و گفته‌ها نوشته‌ها ، اعتبار می‌بخشد .

حالت دفاعی اطلاعیه وزارت امور خارجه را باید به عنوان یک پیروزی تلقی کرد . ثمرات تلاش مداوم در پرده برگرفتن از چهره کریه جمهوری اسلامی هر روز آشکار و آشکارتر می‌شود . بر این تلاش بیغرایبیم و طشت رسوایی رژیم را پر صد اتر از باهمایه زیر افکنیم .

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی چه بسا تا بازو به خون مردم ایران آغشته است . اکنون همه مجامع بین‌المللی همچون عفو بین‌المللی و سازمان ملل ، اکثر نشریات پرتیراژ ، رسانه‌های گروهی ، تشکلهای سیاسی و غیر سیاسی مختلف در گوشه و کنار جهان حتی آنهایی که به منفعتشان نیست ، با موضوع نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی به عنوان یک واقعیت شناخته شده برخورد می‌کنند . این ثمره افشاکریهای پی گیر و مداوم

برای رهایی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در یازدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، برای کمک به رهایی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هرچه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!